

رویکرد دینی به نهادهای مدنی

حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی دام ظلّه

ترجمه و نگارش

جواد سالمی جبارزاده

فهرست مطالب

پیش درآمد.....	۵
فصل اول: تعریف و تاریخچه نهادهای مدنی.....	۶
تعریف نهاد مدنی.....	۶
انواع سازمان های مدنی.....	۷
تاریخ پیدایش تشکل های مدنی.....	۷

جامعه مدنی.....	۸
تاریخ پیدایش.....	۸
تعریف و مفهوم جامعه مدنی.....	۹
جامعه مدنی و جامعه اسلامی.....	۱۰
جامعه مدنی و دیدگاه متفکران اسلامی.....	۱۱
قلمرو فعالیت نهادهای مدنی.....	۱۴
تامین مالی نهادهای مدنی.....	۱۶
هدف از تاسیس نهادهای مدنی.....	۱۳
عوامل موفقیت نهادهای مدنی.....	۱۵
ویژگی های شکل های مدنی.....خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.	
نهاد های مدنی در جوامع دینی.....	۱۵
آثار نهادهای مدنی در جامعه.....خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.	
سرمایه اجتماعی و تهدیدات.....خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.	
عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.	
اسلام و نهاد های مدنی.....	۱۶
احسان و نیکی به همنوع.....	۱۹
تعاون و همکاری گروهی.....	۱۹
انسجام روابط اجتماعی.....	۲۳
نظارت و مسئولیت همگانی.....	۲۵
فصل دوم: ضرورت و هدف از تاسیس نهادهای مدنی.....	۲۸
تمدن سازی تنها با تاسیس نهادهای مدنی.....	۲۸
نقش نهادهای مدنی در زندگی اجتماعی.....	۲۹
عوامل موفقیت نهادهای مدنی در کسب اعتماد جامعه.....	۳۰
مسئولیت نظارت در اسلام.....خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.	
تمدن و پیشرفت در سایه اسلام.....خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.	

در راه شدن.....	خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.
۶۶.....	۱- کارگاه ارتقاء و پیشرفت اجتماعی.....
۶۷.....	۲- انجمن مرکز الیتیم.....
۳۱.....	راهکارهای لازم برای پر ثمر بودن نهادهای مدنی.....
۳۱.....	(۱) تدوین آیین نامه.....
۳۳.....	(۲) سازمان اداری.....
۳۴.....	اهداف نهادهای مدنی.....
۳۷.....	اولویت نهادهای، شناسایی و درمان فرهنگ بیمار جامعه.....
۳۸.....	اسلام و دعوت به جامعه مدنی.....
۳۹.....	انگیزه های دینی در راه اندازی نهادهای مدنی.....
۳۸.....	فراخوان عمومی برای تاسیس نهادهای مدنی.....
۴۳.....	مرجعیت دینی و تاسیس نهادهای مدنی با رویکردی اسلامی.....
۴۴.....	خبره بودن رهبر اسلامی.....
	ویژگی های رهبری دینی.....
۴۸.....	خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.
۴۸.....	احیاء نقش اتحادیه ها و اصناف در زنده نگهداشتن امت اسلامی.....
۴۹.....	فصل سوم: تامین مالی و اقتصادی نهادهای مدنی.....
۴۹.....	کار و کسب در اسلام.....
۵۱.....	تجارت و کارهای آزاد، بهترین راه کسب و درآمد.....
۵۳.....	روش امامان (ع) در کسب درآمد.....
۵۵.....	انفاق عنصر زمینه ساز فعالیت سازمان های خیریه.....
	تشویق به انفاق در راه خداوند متعال خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.
۵۵.....	معنای انفاق.....
	مشکلات عصر ما، و راه حل ها.....
۵۷.....	خطأ! الإشارة المرجعية غير معرّفة.
۵۷.....	فعال کردن بخش خصوصی.....
۵۹.....	پیشرفت در سایه ی بخش خصوصی.....

- فصل چهارم: نهاد های مدنی تاسیس شده ٦١
- ١- انجمن و اتحادیه های ویژه بانوان ٦٢
- موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا س ٦٣
- انجمن بنات المصطفی ٦٣
- ٢- كانون سادات علوی ٦٤
- ٣- انجمن جامعین (دانشگاهیان) ٦٦
- ٤- اتحادیه مهندسين اسلامى ٦٦
- ٤- سازمان كل نهادهای مدنی (همم) خطأ! الإشارة المرجعية غير معروفة .
- منابع ٦٨

پیش درآمد

نهاد مرجعیت در مکتب تشیع را می توان محصول نیاز شیعیان به فهم چستی تکالیف شرعی- فقهی در دوره پس از غیبت حضرت ولی عصر (عج) عنوان نمود. بر اساس شرایط زمانی و مکانی موجود و در فرایندی تاریخی، این نهاد به موازات نقش تشریحی و نظری خود، به ایفای نقش اجتماعی و سیاسی نیز پرداخته است. مفهوم مرجعیت - به شکل متداول و امروزی آن، محصول این سیر تاریخی است. در دوران معاصر مرجعیت شیعه با فراهم دیدن شرایط لازم برای طرح ریزی نظامی سیاسی مبتنی بر شریعت، تئوری اداره جامعه بر اساس آموزه های دین مبین اسلام را مطرح ساخته و برای دستیابی به آن، از تمام ظرفیت ها و امکانات موجود استفاده می کند.

پژوهش حاضر به نوبه خود، چنان اندیشه ای را نمایندگی و ترویج و اندیشه مدیریت جامعه اسلامی بر اساس تعالیم دینی را تبلیغ می نماید. به طور خاص در این مکتوب تلاش می شود تا از نقطه نظر دینی، جایگاه و نقش و کارکرد نهادهای مدنی مورد تدقیق قرار گرفته و نگرش اسلامی به شکل های مردم نهاد، مورد تدوین نظام مند قرار گیرد. موضوعاتی همچون تعریف نهادهای مدنی، انواع و اقسام نهادهای مدنی و در نهایت نگرش اسلام به نهادهای مدنی از جمله مباحث مورد مذاقه در این اثر است.

نوشتار پیش رو، از چهار فصل تالیف شده است که فصل های دوم و سوم آن را ترجمه کتاب «منظمات المجتمع المدنی، بصبغة اسلامیة» برگرفته از

سخنرانیها و بیانات آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه و فصل چهارم آن را نیز بررسی مصداقی نهادهای تاسیس شده توسط معظم له تشکیل می دهد. فصل نخست این اثر نیز نگاهی گذرا به کلیات و تعاریف مرتبط با حوزه نهادهای مدنی و تاریخچه این نهادها دارد که به قلم شخص مترجم نگاشته شده و در واقع به مثابه مقدمه ای برای ورود به مباحث مطرح شده در فصل های دوم و سوم نگاشته شده است.

در ترجمه اثر تلاش شده است تا با خارج ساختن متن فصول دوم و سوم کتاب از حالت خطابی به حالت نگارشی، حواشی مرتبط با ذات خطابه و فضای خطابی که ترجمه آن ها می توانست مخّل آهنگ ترجمه و نگارش باشد، حذف گردیده و اثری سلیس و روان فراروی خوانندگان گرامی قرار گیرد.

اکنون که این ترجمه به پیشگاه خوانندگان گرامی تقدیم می شود امید می رود که طبع مشکل پسند مخاطبان عزیز، کاستی های احتمالی را مورد عفو قرار داده و نقص ها و نارسایی های احتمالی آن را، نه از ذات اثر مبداء که برآمده از ضعف و ناپختگی مترجم قلمداد نمایند.

و من الله التوفیق

جواد سالمی جبارزاده

فصل اول: تعریف و تاریخچه نهادهای مدنی

۱- تعریف نهاد مدنی

نهاد مدنی نیز همچون دیگر مصطلحات رایج در علوم اجتماعی و سیاسی از تعاریف متعدد و البته متفاوتی برخوردار است که احصاء و اشاره تفصیلی به آن ها از حوصله گفتار جاری خارج است.

با این حال در یک نگاه کلی می توان نهاد مدنی را نهادی قلمداد کرد که به طور خاص از دو ویژگی و مشخصه ذیل برخوردار باشد:

- غیردولتی بودن (عدم وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی)
- تلاش برای ایجاد قابلیت در راستای توسعه سیاسی فرهنگی و اجتماعی در یک کشور

در واقع نهادهای مدنی، مجموعه تشکّلها و اجتماعات موجود در جامعه هستند که در حدّ فاصل میان توده شهروندان و حکومت قرار گرفته و تلاش هایی را در حوزه های معین سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و...

سامان می دهند. احزاب غیردولتی، انجمن های صنفی، تعاونی های روستایی و شهری، اتحادیه های صنفی، باشگاه های ورزشی، اجتماعات محلی و انجمن های حرفه ای (مانند انجمن اولیا و مربیان) و ... را می توان به مثابه مصادیقی از نهادهای مدنی در نظر گرفت.

سازمان مردم نهاد، در کلی ترین معنایش، به سازمانی اطلاق می شود، که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شود، و مشخصه اصلی نهادهای مدنی، غیردولتی بودن آن ها و عدم وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی و ارگان های دولتی است. اما در عین حال می توانند نقش بسیار مهمی بعنوان واسطه گری بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و یا حتی خود جامعه ایفا کنند.

به طور خاص در فرهنگ اجتماعی و سیاسی شیعیان از مواردی چون مساجد، تکایا، هیئت های مذهبی، صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و محلی، خیریه ها و انجمن های اسلامی را می توان به عنوان برجسته ترین نهادهای مدنی سنتی برشمرد.

۲- تاریخ پیدایش تشکل های مدنی

احتیاج غیر قابل انکار انسان به محیط اجتماعی و حیات اجتماعی آن در طول تاریخ - که خود برآمده از فطرت انس جویانه وی و نیز ضرورت های برآمده از احتیاجات مادی بوده است- زمینه های لازم برای جستجوی ریشه های تاریخی نهادها و تشکل های مدنی در نخستین عصر حیات انسانی در کره خاکی را فراهم نموده است. چه آن که بسیاری از نیازهای بشری، با فعالیت های فردی محقق نمی شوند بلکه باید مجموعه ای از انسان ها با تفاهم و توافق بر انجام کاری معین و با همت و اراده جمعی از عهده ی آن بر آیند.

علیرغم آن که که قدمت این نهادها به سده ها پیش باز می گردد، با این حال سازمان های غیر دولتی - در وجه رایج و متداول امروزی اشان به ویژه در سطح نظام بین الملل- محصول فضای دوره مدرن بوده و در دو قرن اخیر توسعه یافته اند. و بر خلاف سیستم های اجتماعی اولیه که در نتیجه آداب و رسوم و عادت های اجتماعی بوجود آمده اند سازمان های جدید، از پیش طراحی شده و آگاهانه برای کسب هدف های مشخصی ایجاد می گردند.^۱

مطابق آمار، در اواسط دهه ۱۹۹۰ تعداد سازمان های غیر دولتی در جهان قریب به ۳۰۰۰۰ مورد تخمین زده می شد. هم اینک و با احتساب تشکل های غیر دولتی فعال در سطح محلی و ملی تعداد آن ها بالغ بر ۳۰۰۰۰۰۰

^۱ آرین قلی پور، جامعه شناسی سازمان ها، ص ۲۷.

برآورد می شود.^۲ امروزه نهادهای غیر دولتی در سطح جهان روز به روز در حال افزایش هستند و در سطح بین المللی هم فعالیت گسترده ای را انجام می دهند و حتی سازمان ملل متحد نیز از نظرات مشورتی این نهادها استفاده می کند.^۳ در بسیاری از کشورها این سازمان ها بخش عمده ای از فعالیت های بخش خصوصی را به خود اختصاص داده اند و در این زمینه موفقیت های چشمگیری را بدست آورده اند.

به عنوان نمونه صلیب سرخ جهانی را می توان یکی از نخستین سازمان های غیر دولتی فعال در عصر جدید بر شمرد که در سال ۱۸۶۳ تاسیس شده و کمک رسانی به افراد آسیب دیده از حوادث طبیعی و ساخته دست بشر را در سطح جهان دنبال می نماید.^۴

با این حال، از آنجا که ریشه این نهادها به شکل امروزی آن فرآورده دوران مدرن است، لذا برای آشنایی بیشتر مخاطبان با مفهوم نهادهای مدنی چاره ای جز گذار به بسترهای تاریخی و خاستگاه تئوریک و فکری آن نخواهد بود. از آن جا که نهادهای مدنی به معنای مصطلح آن ریشه در جامعه مدنی دارند، لذا ضروری است تا نگاهی اجمالی به مقوله جامعه مدنی داشته و سپس به حوزه های کارکردی نهادهای مدنی فعال در چنان جامعه ای ورود پیدا نماییم.

۱-۲-- جامعه مدنی^۵

۱-۱-۲- پیشینه تاریخ

برخی از متفکران، پیشینه تاریخی کاربرد اصطلاح جامعه مدنی را به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح مرتبط می دانند و بر این باورند که اولین جوامع مدنی در میان جامعه شورایی سومری ها در بین النهرین با پیدایش اولین دولت - شهر^۶ تحقق یافته است. برخی دیگر معتقدند افلاطون نخستین کسی بود که از جامعه مدنی یاد کرد و مدینه فاضله خود را به

^۲ معصومه صادقی آهنگر، جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان، ص ۱۴۳.

^۳ جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان- ص ۱۴۵.

^۴ کمیته بین المللی صلیب سرخ انجمن و سازمان غیردولتی انسان دوستانه است که مقر اصلی آن در شهر ژنو سوئیس است. ایده تاسیس این سازمان پس از جنگ داخلی ایتالیا در سال ۱۸۵۹ توسط یک سوئیزی به نام ژن هنری دونان مطرح شد و سپس در سال ۱۸۶۳ با همراهی چهار نفر دیگر بنیان گذاری شد. کمیته بین المللی صلیب سرخ یکی از اعضای نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر است. نهضت جهانی صلیب سرخ، یک سازمان بین المللی است که وظیفه کمک رسانی به افراد آسیب دیده از حوادث طبیعی و ساخته دست بشر را در سطح جهان برعهده دارد.

^۵ Civil Society

^۶ Polis

آن نام گذاری کرد. عده ای دیگر بر این باورند که ارسطو نخستین کسی بود که واژه جامعه مدنی را به کار برده است. پاره ای از افراد نیز معتقد هستند که ارسطو نیز به تبعیت از افلاطون عنوان جامعه مدنی را برای نام بردن از مدینه فاضله خود مورد استعمال قرار می داده است. با این حال، تاریخچه استعمال جامعه مدنی در عصر جدید به قرن های هفده و هجده میلادی بر می گردد.^۸

۲-۱-۲- تعریف و مفهوم جامعه مدنی

مفهوم جامعه مدنی از ابتدای استعمال قطعی و مورد توافق آن - یعنی از دولت شهرهای یونان تاکنون- تطورات و تحولات معنایی فراوانی داشته است. در یک نگاه کلی اساساً سه تعریف کلی و ساختارمند برای جامعه مدنی ذکر شده است که در ذیل به آن ها به اختصار اشاره می شود.

در تعریف نخست و بر اساس نگاه ارسطو و نیز اندیشه های اصحاب «قرارداد اجتماعی» جامعه مدنی اساساً مفهومی معادل با دولت و در مقابل وضعیت طبیعی و جامعه طبیعی مورد اشاره هابز دارد که در آن آدمی با انعقاد یک قرارداد اجتماعی از حالت طبیعی (یعنی پیش از درآمدن در زیر قدرت و حکومت و قانون) خارج شد و با دست کشیدن از آزادی های طبیعی و عمل آزادانه، به دولت و قانون گذاری گردن نهادند.

در این معنا، جامعه مدنی در برابر جامعه بدوی فرض شده است. از این منظر، جامعه بدوی جامعه ای است انسان در آن به نحو طبیعی زندگی می کند و یا این که جامعه ای است که آدمیان در آن به نحو وحشی و خودسرانه زندگی می کنند و نامتمدن هستند. در مقابل، در جامعه مدنی، انسان ها متمدن اند و از حالت طبیعی به حالت مصنوعی و از حالت خودسری به نظم میل پیدا می کنند و به آداب و ضوابط حیات مشترک پایبند می گردند.

در این مفهوم جامعه مدنی به مثابه بنیان و اساس اندیشه قرارداد اجتماعی و به عنوان وضعیتی در نظر گرفته می شود که پیش از تکوین دولت وجود داشته و دولت صرفاً محدودیت هایی بر فعالیت آن وضع می کند.

در تعریف دوم که از سوی برخی از اندیشمندان همچون هگل مورد دفاع قرار گرفته است، نیز این مفهوم به معنای شکل اولیه تکوین دولت در

^۷ مسعود معصومی و منصور میراحمدی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۳۹.
^۸ سیمور مارتین لیپست، دایره المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، ج ۲ ص ۵۲۳.

قالب ساختاری حد واسط خانواده و دولت است که بر اساس آن جامعه مدنی گونه ای ابتدایی از دولت است که باید از منافع خصوصی افراد دفاع کند.^۹

اما مفهوم مهم و متداول جامعه مدنی که امروزه بر زبان بسیاری جاری است، با مبانی پارادایمی اندیشه های دوران مدرن درهم آمیخته بوده و از بار معنایی متمایزی از معانی کلاسیک آن برخوردار است. در این معنا -که به سده هفتاد قرن بیستم میلادی بازگشت دارد- جامعه مدنی معادل با نهادهای واسط و میانجی میان مردم و دولت در نظر گرفته می شود.

بازتفسیر مدرن از مفهوم جامعه مدنی در حقیقت شامل مصادیقی همچون مجموعه تشکلهای صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل گروه ها، اقشار و طبقات اجتماعی است که از یک طرف تنظیم کننده خواستها و دیدگاه های اعضای خود بوده از طرف دیگر منعکس کننده این خواستها و دیدگاه ها به نظام سیاسی و جامعه جهت مشارکت موثر در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی است. جامعه مدنی چون برخاسته از عرصه اجتماع است، از عرصه قدرت اجتماعی بهره مند است و دولت، عرصه قدرت سیاسی را در اختیار دارد و این قدرت آمرانه است. جامعه مدنی در واقع به این معنا است که دولت، تصمیم گیرنده مطلق و انحصاری نباشد و عرصه اجتماعی -که همان نهادهای برآمده از مردم و غیروابسته به دولت است- نیز در امر تصمیم سازی مشارکت داشته باشند.

در یک نگرش و تفسیر بلندپروازانه و آنارشیستی از تعریف سوم، جامعه مدنی در شرایط پس از زوال نقش اساسی دولت پدید آمده و با غلبه بر قدرت فائقه و حاکمیت مطلق دولت ها، جانشین دولت می گردند.

۳-۱-۲- جامعه مدنی و جامعه اسلامی

موضوع جامعه مدنی و نسبت آن با اندیشه های دینی و منظومه بینش اسلامی از جمله مباحث چالش برانگیزی است که به طور خاص در دو دهه اخیر حجم زیادی از تحقیقات مرتبط با حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی را به خود اختصاص داده است.

به طور خاص مساله سازگاری یا تضاد نظریه جامعه مدنی و ماهیت آن با مبانی تفکر دینی، موجب شکل گیری طیف های مختلف فکری و موج های متضاد تئوریک در این خصوص شده است.

^۹ عبدالرسول بیات، فرهنگ واژه ها، ص ۲۳۸.

به عنوان مثال عده ای از اندیشمندان علوم اجتماعی از جامعه مدنی به عنوان یک پدیده تئوریک برآمده از مبانی اومانیستی و سکولاریستی فرهنگ مدرن غربی^{۱۰} دفاع نموده و خواهان بسط تجربه غربی در این خصوص به حوزه جغرافیای فیزیکی و ادراکی جهان اسلام و پذیرش بی چون و چرای چنان جامعه ای در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی هستند.

در مقابل نظریه پردازان اسلام گرا بر این باورند که اساسا جامعه مدنی همچون دیگر نظریات غربی از فضای ادراکی و بینشی فرهنگ مدرن غرب برآمده و از آبخوره‌های سکولاریسم و اومانیسم مشروب شده است. از این رو پذیرش مقلدوارنه آن می تواند نتایج و پیامدهای مخربی را در پی داشته باشد.

از دید ایشان، اساسا می توان از جامعه مدنی «مدینه النبی» سخن گفت که بار معنایی دینی آن می تواند از اقتضائات سلبی و منفی جامعه مدنی غربی کاسته و در عین حال، از تحمیل شرایط تاریخی جامعه مدنی در فرهنگ غربی پیشگیری نماید. از دید ایشان امکان بهره مندی از موضوعات مطرح شده در فرهنگ غربی همچون موضوع جامعه مدنی، وجود دارد. مشروط به آن که امکان کاربست غیرالتقاطی و کاملا منطبق آن ها با مبانی اسلامی وجود داشته و با مبانی پارادایمی تفکر دینی انطباق ذاتی داشته باشند. به باور ایشان موضوع جامعه مدنی به مفهوم مدینه النبی آن، از این زمره به شمار می آید که از صدر اسلام تاکنون برای آن مصداق خارجی وجود دارد.

در مقابل همیشان بر این باورند که اگر مفهومی از لوازم ذاتی نظریه سکولاریسم و یا دیگر مبانی نظری فرهنگ مدرن غربی و در تناقض ذاتی با آموزه های اسلامی باشد، تمسک به آن و اخذ آن به عنوان یک رویکرد سیاسی و اجتماعی بیش از هر چیز ناشی از روحیه التقاط و گرایش التقاطی در حوزه های بینشی است که خود خطری جدی به همراه دارد.

در نتیجه مهم ترین معیار و ملاک در پذیرش یا رد یک مفهوم یا یک واقعیت نظری ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی، در سازگاری مبنایی یا عدم انطباق نظری آن با جهان بینی دینی خواهد بود.

^{۱۰} از مهم ترین مولفه های چنان مبانی بنیادینی می توان به مواردی چون جدایی دین از قلمرو دولت، قانون گذاری بر اساس خواست بشر، تاکید بر عینی گرایی و حاکمیت علوم تجربی، فرد گرایی، انسان مداری، تاکید بر عقلانیت ابزاری، ماشین محوری، سنت ستیزی، آزادی و تساهل، علم محوری و نفی حاکمیت خدا و نفی ماوراء الطبیعه اشاره داشت.

۳- ویژگی ها و مولفه های نهادهای مدنی

نهادهای مدنی برای آن که بتوانند دوام و استمرار فعالانه و کارآمد خود را تضمین نموده و همسو با دیگر جریان های اجتماعی در راستای تحقق بخشی به اهداف اعلانی خود و ایفای نقش آفرینی شایسته در حیات اجتماعی عمل نمایند، می بایست از ویژگی های خاصی برخوردار باشند. طبیعی است که نقص در هر کدام از ویژگی های ضروری ذیل الذکر می تواند به فنا و یا لااقل ناکارآمدی این نهادها بیانجامد.

در ذیل به اختصار و به صورت فهرست وار به این ویژگی ها و مولفه ها اشاره می شود:

۱. خودجوشی و نیاز طبیعی

تشکل های مدنی اساساً بنا بر نیاز طبیعی ناشی از شرایط فکری و محیطی، انگیزش ها، خصوصیات و آرمان های مشترک افراد و جامعه به صورت خود جوش به وجود می آیند.

۲. هدف و تعهد مشترک

افراد مؤسس تشکل های مدنی دارای هدف مشترک هستند و سایر افرادی که بعداً به عضویت این تشکل ها در می آیند، بر اساس هدف تعیین شده فعالیت می نمایند و نسبت به آن متعهد می باشند. لذا پایداری سازمان غیردولتی مبتنی بر استواری اهداف و استمرار آن خواهد بود.

۳. قانونمندی

تشکل های مدنی دارای ضوابط، روابط و سازمان کار مشخص و تعریف شده می باشند. و اساساً تخطی از قوانین و قواعد تعریف شده می تواند پیامدهای ناگواری برای نهاد در پی داشته باشد.

۴. برنامه و فعالیت مشخص

هر تشکل مدنی در راستای دستیابی به اهداف خود، دارای برنامه و موضوع فعالیت در یک بخش یا رشته مشخص بوده و می کوشد پا از دامنه تخصصی تعریف شده فراتر نهد.

۵. جلب مشارکت و عضویت

تشکل های مدنی به دلیل دارا بودن ماهیت مردمی همواره در پی جلب مشارکت اعضای جدید برای دستیابی به قدرت عمل بیشتر و گسترش دامنه فعالیت و اثربخشی در موضوع فعالیت خود می باشد.

۶. هویت و شخصیت مستقل

تشکل های مدنی دارای شخصیت حقوقی و هویت مردمی می باشند و مدیریت آن ها (تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازمان کار و ارزیابی) مستقل از دولت و دستگاه های اجرایی است - گرچه تشکل های مدنی و مجموعه دولت می توانند دارای ارتباط و تأثیرات متقابل باشند.

۷. مشارکت و مسئولیت پذیری

اساسا هدف تشکل های مدنی، سود جویی و کسب درآمد نیست. این سازمان ها دارای اهداف فرهنگی و اجتماعی می باشند که با مشارکت و مسئولیت پذیری اعضا تکوین می یابد و هر عضو خود را در اهداف و برنامه های آن سهیم و مسئول می داند.

این ویژگی ها می توانند ضامن بقا و ادامه حیات تشکل های مدنی باشند، و در غیر این صورت نمی توان سازمانی که این ویژگی ها را در خود نداشته باشند را، نهاد و سازمان پویا و زنده دانست.

۴- هدف از تاسیس نهادهای مدنی

بدیهی است که تمامی نهادهای اجتماعی با هدف خاصی تاسیس شده و در دوره حیات خویش، غایات معینی را دنبال می نمایند. این اهداف می تواند تمامی شؤون و امور مرتبط با حوزه های حیات بشری همچون امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، زیست محیطی، خانواده و... را شامل شود.

همچنین موسسین این نهادها با انگیزه های متفاوتی اقدام به تاسیس آن ها می نمایند که به طور کلی سه فاکتور ذیل را می توان به عنوان مهم ترین آن ها برشمرد:

- اهداف انسان دوستانه
- احساس نیاز یا تجربه شخصی در برخورد با معضلات اجتماعی
- دستورات و سفارشات بزرگان در نیکوکاری و اقدامات انسان دوستانه

۵- انواع نهادهای مدنی

در چند دهه اخیر، سازمان های مردم نهاد^۱ در اشکال و فرم های گوناگون در کشورهای مختلف در حال فعالیت هستند. بسیاری از این سازمان ها، غیر انتفاعی بوده و بودجه این سازمان ها عموماً از طریق

^۱Non Governmental Organization (NGO)

مساعدت های مردمی، سازمان های دولتی، یا ترکیبی از هر دو روش مذکور تامین می شود. برخی از این سازمان ها - که نیمه مستقل به شمار می آیند- وظایف و کارویژه های دولتی را نیز به انجام می رسانند و در مقابل برخی دیگر از آن ها، هیچ علاقه ای به ورود به حوزه امور سیاسی ندارند. این در حالی است که برخی از آن ها به منظور تامین منافع اعضای خود صرفاً به لابی گری در دولت می پردازند.

با این حال این سازمان ها و نهادها را از حیث های گوناگون می توان دسته بندی و طبقه بندی نمود. از حیث ماهیت و چیرستی فعالیت تخصصی این نهادها نیز می توان آن ها را به دسته های مختلفی تقسیم نمود که در ذیل به اهم آن ها اشاره می شود:

- حوزه های اقتصادی، عمران، آبادانی، تجاری
- حوزه های زیست محیطی و منابع طبیعی
- حوزه های بهداشت و درمان و ارتقای سلامت
- حوزه های آسیب های اجتماعی، توانمند سازی، امدادی، توانبخشی، مهارتهای زندگی
- حوزه های خانواده و زنان
- حوزه های مسائل جوانان
- حوزه های ورزشی
- حوزه های ارتباطاتی و رسانه ای
- حوزه های فرهنگی و اجتماعی، هنری،
- حوزه های نظم و امنیت عمومی
- حوزه های نیکوکاری و امور خیریه
- حوزه های مذهبی و دینی
- حوزه های علمی، تحقیقات و توسعه
- حوزه های بشر دوستانه و نوع دوستانه

به طور طبیعی حوزه ها و دامنه فعالیت نهادهای مردم نهاد می تواند فراتر از مصادیق یادشده باشد که جهت پرهیز از تطویل از اشاره به آن ها پرهیز می شود.

۶- قلمرو فعالیت نهادهای مدنی

همانطور که ذکر شد نهادهای مدنی و از جمله سازمان های مردم نهاد، اهداف گوناگونی را دنبال می نمایند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی اعضای خود در حال فعالیت می باشند.

در عین حال قلمروی کنشگری و فعالیت نهادهای مزبور می تواند گستره متفاوت جغرافیایی را نمایندگی کند. به دیگر بیان از حیث نظری و

تئوریک، نمی توان هیچ گونه محدودیت جغرافیایی و سرزمینی در راستای فعالیت داوطلبانه این نهادها متصور بود و انتخاب چنان گستره ای صرفاً در اختیار موسّسان و مدیران این نهادها و اعضای ایشان است.

با این حال و در یک طبقه بندی کلی می توان چهار سطح رایج در حوزه فعالیت این نهادها را رصد نموده و مورد اشاره گذرا قرار داد.

برخی از نهادها در سطوح فروملی و در حوزه های معین جغرافیایی یک کشور و در دایره اهداف خاصی مشغول به فعالیت هستند. پاره ای از دیگر نهادها فعالیتی در سطح ملی داشته و حوزه نفوذشان در سرتاسر مرزهای جغرافیایی یک کشور پراکنده است. فراتر از آن نهادهایی هستند که دامنه فعالیت های خود را به فراتر از مرزهای ملی گسترش داده اند. این گونه از نهادها نیز خود به دو دسته تقسیم می شوند. دسته نخست به کنشگری در دایره جغرافیای منطقه ای بسنده نموده و می کوشند فعالیت های خود را به منطقه جغرافیای خاص (به عنوان نمونه خاورمیانه، شمال افریقا و...) محدود و محصور سازند. در مقابل دسته دوم اساساً هیچ محدودیتی برای قلمروی فعالیت خود بر نمی تابند و گستره ای جهانی و بین المللی را برای فعالیت خود برمی گزینند.

امروزه سازمان های مردم نهاد به عنوان بخشی از مجموعه روابط بین الملل پذیرفته شده اند. نهادهای مدنی از یک سو بر سیاست گذاری های ملی و چند جانبه تاثیر می گذارند و از سوی دیگر به طور فزاینده ای مستقیماً در فعالیت های محلی حضور دارند.

۷- عوامل موفقیت نهادهای مدنی

بنظر می رسد که مهمترین عامل موفقیت سازمان، در گرو این است که الگوهای مدیریتی خود را با شرایط محیطی متناسب سازد. در نتیجه ایجاد همسویی و سازگاری با محیط را می بایست اساسی ترین عامل موفقیت نهادهای مدنی دانست؛ چه آن که محیط خود در پدید آوردن سازمان های مشخص نقش حیاتی دارد و باید دانست که محیط حامی، منابع لازم را - به صورت مواد اولیه، انرژی، نیروی انسانی کارآمد، قوانین حمایتی و مشروعیت محیطی- در اختیار نهادها قرار می دهد و در نتیجه ضمن تضمین بقاء نهاد، می تواند به رشد و توسعه آن نیز بیانجامد.^{۱۲}

همچنین می توان عوامل و فاکتورهای موثر دیگری را نیز جهت موفقیت هر چه بیشتر یک نهاد یا سازمان مدنی در نظر گرفت که بر اساس هر نهاد متفاوت بوده و می بایست به صورت مصداقی مورد بررسی قرار گیرد.

^{۱۲} آراین قلی پور، جامعه شناسی سازمان ها، ص ۳۹۲.

۸- تامین مالی نهادهای مدنی

از آن جا که نهادهای مدنی و به طور خاص سازمان های مردم نهاد، اساساً با تاکید بر سه اصل داوطلبانه بودن، غیر انتفاعی بودن و غیر سیاسی بودن تشکیل و تاسیس می شوند، لذا از حیث تامین بودجه فعالیت های خود نمی توانند چشم به خزانه دولت داشته باشند. لذا نهادهای مدنی حقیقی عموماً به دنبال راه هایی متفاوت در خصوص جذب بودجه و هزینه های لازم برای کنشگری هستند. موارد ذیل را می توان مهم ترین منابع دسترسی این نهادها به هزینه های ضروری خود عنوان کرد:

۱. کمک و هدایای مردمی
۲. وقف کمک های مالی از سازمان های دولتی و غیر دولتی
۳. کمک های مالی از سازمان های بین المللی
۴. وجوه حاصل از فعالیت های سازمان و انجام پروژه (در چارچوب اهداف و اساسنامه و آیین نامه سازمان)
۵. حق عضویت در سازمان

۹- اسلام و نهاد های مدنی

منظومه بینشی و ارزشی اسلام به طور طبیعی اقتضاء آن دارد که هندسه رفتار اجتماعی مسلمانان و مومنان بر اساس مبانی دینی طرح ریزی شده و مورد عمل قرار گیرد. در چنان جامعه ای ایمانی اساساً تمامی مناسبات فیما بین شهروندان با یکدیگر از یک سو و با حاکمیت از دیگر سو نمی تواند خارج از دایره ارزش های دینی بازتعریف شود که برعکس ضرورتاً می بایست با آن ها منطبق باشد.

در نتیجه نهادسازی سیاسی و اجتماعی و برساختن نهادهای اجتماعی نیز نمی تواند خارج از چارچوب منطق یادشده بوده و انطباق تئوریک و نظری آن با مبانی دینی و همچنین انطباق مصداقی آن با هندسه ارزشی اسلامی جزو بدیهیات تاسیس هر نهادی در جامعه اسلامی به شمار می آید.

در این میان اگر بتوان نهاد مدنی را پدیده ای از لحاظ تئوریک همساز با مبانی دینی و از حیث تجربه مصداقی، قابل انطباق با ارزش های دینی تلقی کرد، پذیرش مفهومی و نظری و عملی آن در فضای معرفت دینی و پی جویی مصداقی و تجارب تاریخی برای آن بلاشکال و بلکه مطلوب می باشد. به طور طبیعی اسلامی بودن جامعه به صبغه پذیری دینی نهادهای مدنی انجامیده و در نتیجه هیچ نوع نگرانی برای حکومت دینی در خصوص ماهیت نهادهای مدنی باقی نخواهد ماند.

در مقابل اگر نهاد مدنی را نتوان از مبانی عرفی گرایانه آن منتزع نمود و در نتیجه سکولاریسم، انسان محوری، عقل بسندگی و نفی وحی را به عنوان مبانی ذاتی و جوهره جامعه مدنی و نهاد مدنی بدانیم، لاجرم این نهادها هم از لحاظ مفهومی و هم از حیث مصداقی با مبانی اسلامی در تعارض بوده و لاجرم سخن گفتن از نهادهای مدنی اسلامی گزاف و برآمده از التقاط است. و نیز نقش آفرینی ایشان در سطح جامعه اسلامی به طور مستقیم در تضاد با مصالح جامعه اسلامی و کارکردهای حکومت دینی است.

مدعی آن است که نهاد مدنی در معنای کارکردی و نقشی آن یعنی واسطه گری و میانجی گری میان حاکمیت و مردم و ایفای پاره ای از نقش ها و وظائف حاکمیتی و با سلب مبانی پارادایمی سکولاریستی و اومانیسیتی آن می تواند مصادیق تاریخی متعددی در جامعه ایمانی از صدر اسلام تاکنون داشته باشد.

به عنوان نمونه دین مبین اسلام، با سفارش به وقف، نذر، قرض الحسنه و بخشش قسمتی از اموال خود به فقرا و مستمندان و قوانینی از این قبیل پیوندی ناگسستنی میان مسئولیت های اجتماعی و ایمان جعل نموده که لازم ملزوم یکدیگر و جدایی ناپذیر از یکدیگرند.

به عنوان نمونه مشارکت پیامبر اسلام (ص) با شرکت در پیمان حلف الفضول^{۱۳} در سال های جوانی مبارک اشان در دوره پیش از بعثت که با

^{۱۳} حلف الفضول از جمله پیمان هایی که طبق روایات رسیده، اسلام نیز آن را امضاء کرده و به عنوان پیمانی مقدس از آن یاد شده است که به شرحی که ذیلا خواهیم گفت برای جلوگیری از ظلم و تعدی زورگویان و به منظور دفاع از ستمدیدگان بسته شد، و چون این پیمان در هدف مشابه پیمان دیگری بوده که سال ها قبل از آن بوسیله «جرهمیان» بسته شد و انعقاد آن بوسیله چند نفر بوده که نام همگی آن ها «فضل» یا فضیل بوده (یعنی فضل بن فضاله و فضل بن وداعه و فضیل بن حارث و یا به گفته بعضی: فضل بن قضاعه و فضل بن مشاعه و فضل بن بضاعه) - بدین جهت به این پیمان نیز «حلف الفضول» گفتند، و برخی نیز در وجه تسمیه و این نامگذاری وجوه دیگری گفته اند که جای ذکر آن نیست. پیمان مزبور پس از جنگ های فجار و در بیست سالگی عمر رسول خدا و در خانه عبدالله بن جدعان انجام پذیرفت، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که پس از بعثت می فرمود: حضرت فی دار عبد الله بن جدعان حلفا ما یسرني به حمر النعم، و لو دعیت إلیه الیوم لأجبت. به راستی که در خانه عبدالله بن جدعان شاهد پیمانی بودم که خوش ندارم آن را با هیچ چیز دیگر مبادله کنم، و اگر در اسلام نیز مرا بدان دعوت کنند اجابت خواهم کرد و می پذیرم. و ماجرا - چنانچه گفته اند - از این جا شروع شد که مردی از قبیله «زبید» و یا قبائل دیگر حجاز - به مکه آمد و مالی را به عاص بن وائل فروخت، و هنگامی که به سراغ پول آن رفت عاص بن وائل از پرداخت آن خودداری کرد و مرد زبیدی را از نزد خود راند. مرد زبیدی به نزد جمعی از سران قریش رفت، و به گفته برخی به نزد افرادی که پیمان «لعهقه» را منعقد کرده بودند رفت، و از آن ها برای

هدف دفاع از مظلومان تشکیل شده بود، در واقع صحنه گذاشتن بر نقش واسطه ای نهادی مردم محور در اجرای کارویژه ها و وظائف حاکمیتی قلمداد می شود. مساله ای که همواره در طول حیات پر برکت خویش به آن مباحثات می کرده و می فرمودند: در ایام جاهلیت به جمع و پیمانی انسانی دعوت شدم که اگر هم اکنون نیز به چنین جمعی دعوت می شدم از آن استقبال می کردم و آن را با شتران سرخ مو عوض نمی کردم.^{۱۴}

در هر صورت با تامل در معارف قرآن و سنت می توان به شاخصه هایی اشاره نمود که به استناد آن ها و در فرض عدم مغایرت با اصول و قواعد اعتقادی، اخلاقی و فقهی، توافقات اجتماعی و از جمله نهادهای مدنی مورد احترام و تایید شارع مقدس قرار می گیرد. در یک نگاه کلی شاخصه های یادشده را می توان چنین برشمرد:

۱- احسان و نیکی به همنوع

گرفتن حق خود استمداد کرد، ولی آن ها پاسخی به او نداده و حاضر به گرفتن حق او نشدند.

مرد زبیدی که چنان دید، بر فراز کوه ابی قبیس - که مشرف به شهر مکه و خانه کعبه بود - رفت و بوسیله این دو بیت فریاد مظلومانه و ستمی را که به او شده بود به گوش مردم مکه و اشراف شهر رسانده، و چنین گفت:

یا آل فھر لمظلوم بضاعته
ببطن مکه نائی الدار و
القفر
و محرم اشعث لم یقض عمرته
یا للرجال و بین الحجر
والحجران
الحرام لمن تمت کرامته
و لاحرام لثوب الفاجر
الغدیر

یعنی: ای خاندان «فهر»- برسید بداد ستمدیده ای که در وسط شهر مکه کالایش را به ستم برده اند و دستش از خانه و کسان دور است، و ای مردان برسید به داد محرمی ژولیده که هنوز عمره اش را بجای نیاورده و میان (حجر اسماعیل) و حجرالاسود گرفتار است. به راستی که حرمت و احترام برای آن کسی است که در بزرگواری تمام باشد، و دو جامه فریب کار احترامی ندارد.

گفته اند: این فریاد مظلومانه که در شهر مکه طنین افکند، زبیر بن عبدالمطلب - عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله - از جا حرکت کرده گفت: این فریاد را نمی توان نشنیده گرفت، و به سراغ بزرگان قبائل قریش رفت، و توانست قبائل زیر یعنی بنی هاشم و بنی زهره و بنی تیم بن مره و بنی حارث بن فهر را با خود همراه کند و در خانه عبدالله بن جدعان- اجتماع کرده و در آن جا پیمان «حلف الفضول» را منعقد ساخته، و دست های خود را به نشانه تعهد در برابر پیمان در آب زمزم فرو بردند و به مضمون زیر پیمان بستند که: لایظلم غریب و لاغیره، و لئن یؤخذ للمظلوم من الظالم: نباید به هیچ شخص غریب یا غیرغریبی ستم شود، و باید حق مظلوم از ظالم گرفته شود! و به دنبال این پیمان به نزد عاص بن وائل رفته، و حق مرد زبیدی را از او گرفته و به آن مرد دادند.

^{۱۴} احمد ابن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸.

- ۲- تعاون و همکاری گروهی
 ۳- تحکیم روابط اجتماعی
 ۴- نظارت و مسئولیت همگانی^{۱۵}

در ذیل تلاش می شود تا هر یک از این چهار شاخصه مهم مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته و به تفصیل مورد بررسی مستقل قرار گیرد.

۱-۹- احسان و نیکی به همنوع

احسان و نیکی در حق همنوع از برجسته ترین خط مشی های اخلاقی اسلام است که در قالب هایی همچون وقف، قرض الحسنه، انفاق و صدقه در متون دینی و نیز سیره عملی رهبران دینی مورد تشویق مستمر قرار گرفته است.

در قرآن کریم موضوع احسان و نیکی در آیات مختلفی مورد تاکید فروان قرار گرفته شده است. به عنوان نمونه آیاتی که احسان به دیگران را مورد اشاره و تشویق قرار داده است از این جمله اند:

۱- ان تقرضوا الله قرضا حسنا يضاعفه لكم و يغفر لكم و الله شكور حلیم! (اگر خدا را قرض الحسنه دهید، آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشد، و خداوند بسیار قدرشناس و بردبار است.)

۲- من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافا کثیرة . (کیست آن که به خداوند قرض الحسنه دهد تا خدا آن را برایش (در وقت پرداخت) چندین برابر فزونتر کند؟!)

۳- ان الله یامر بالعدل و الاحسان . (خداوند به عدالت^{۱۶} و احسان فرمان داده است.)

این چند آیه از آیات قرآن کریم است که در باب تشویق و ترغیب مسلمانان به احسان می باشد که مصداقی (قرض الحسنه) از آن را معامله با خداوند دانسته و اجر و پاداش مضاعفی و دوچندان را برای آن قرار داده است.

در حوزه سیره عملی معصومین (ع) نیز می توان نخستین صدقه موقوفه در اسلام را زمین های مخیریق عنوان کرد که مطابق وصیت وی در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفته و حضرتش آن ها را وقف عموم مسلمین نمودند.^{۲۰}

^{۱۵} معصومه صادقی آهنگر، جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان، ص ۲۰.

^{۱۶} سوره تغابن، آیه: ۱۷.

^{۱۷} سوره بقره، آیه: ۲۴۵.

^{۱۸} سوره نحل، آیه: ۹۰.

وقف های متعدد امیرالمومنین علی (ع) در دوره خانه نشینی ۲۵ ساله در حوزه های کشاورزی، درختکاری و حفر قنات در مناطق مختلفی از جمله اطراف مکه و مدینه نیز مصداقی از این مهم به شمار می آید.^{۲۱}

^{۱۹} مخیریق فردی یهودی بود که اسلام آورده و ثابت قدم ماند. او یکی از بزرگان بنی قینقاع و عالم آنان به شمار می آمد که نماینده سؤمین گروه یهودی در پیمان پیامبر ص بود. هنگامی که رسول گرامی اسلام برای نبرد احد از مدینه بیرون رفت، مخیریق به قوم خود گفت: می دانید که او پیامبر خداست و باید او را یاری کنیم. یهودیان گفتند: امروز شنبه است و از همراهی او سرباز زدند، مخیریق سلاح برگرفت و به احد آمد و همراه مسلمانان جنگید تا به شهادت رسید. پیامبر فرمود: مخیریق بهترین یهودیان بود.

^{۲۰} عبدالملک ابن هشام الحمیری، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۵۱۹.

^{۲۱} سید رضا حسینی، سیره اقتصادی امام علی ع، ص ۶۳.
عمده فعالیت های اقتصادی امام (ع) در دوره خلفا در منطقه ینبع به وقوع پیوسته است. ینبع نام منطقه ای است در ۱۶۵ کیلومتری غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و آن را به دلیل چشمه های فراوانش به این نام نامیده اند. برخی تعداد چشمه های آن را تا ۱۷۰ عدد ذکر نموده اند. ساکنان ینبع عمدتاً از جینه و نبولیت و الأنصار بوده اند. پس از وفات امام این منطقه تحت اختیار اولاد امام حسن (ع) قرار گرفت. نام ینبع در کتب تاریخ، سیره و جغرافیا با نام امام علی (ع) عجین شده است، چنانکه این شهر در هیچ کتابی بی نام علی (ع) معرفی نشده است. از برخی شواهد تاریخی بر می آید که نام ینبع را امام بر این منطقه نهاده است

امام صادق (ع) می فرمایند:

در زمانی که رسول خدا (ص) اراضی فئ را تقسیم نمود، زمینی هم نصیب علی (ع) گشت، او در این زمین چاهی حفر کرد که آب از درون آن مانند گردن شتر می جوشید، و به همین مناسبت نام ینبع - به معنای جوشیدن آب از زمین - بر آن نهاد.

علاوه بر این امام علی (ع) در ینبع چشمه ها و نخلستان های فراوان دیگری نیز آباد نمود. ابن شبه خلاصه اموال امام علی (ع) در ینبع را چنین گزارش نموده است:

« اموال علی (ع) در ینبع چشمه های پراکنده ای است از جمله آنها چشمه ای است به نام « عین البحر » و چشمه ای است که به آن « عین نولا » گفته می شود و امروزه به آن « الغدر » می گویند و این همان ملکی است که می گویند علی (ع) با دست خود در آن کار نمود و مکان نماز پیامبر صلی الله علیه وآله در واقعه ذی العشیرة که کاروان قریش را تعقیب می نمود در آن واقع است. . . و برای علی (ع) است، نهی از چشمه ای به نام « عین » در ینبع و سهمی از چشمه ای که به آن « الغصبیة » گفته می شود.

و نیز ابن شهر آشوب تعداد چاه های امیرالمؤمنین (ع) در ینبع را بالغ بر یکصد حلقه ذکر نموده است. میزان محصول این املاک در زمان حیات امام (ع) به روایت واقعی افزون بر هزار وسق (حدود ۱۸۰ کیلو) بوده است. درباره ارزش مجموعه این املاک اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما از روایتی که درباره عین ابی نیزر وارد شده است تا حدودی می توان

با توجه به موارد یادشده، اساسا تمامی نهادهای مدنی که بنیاد آن ها مبتنی بر احسان و نیکی به هم‌نوع استوار شده است می‌تواند شکل امروزین حلف الفضول، وقف و قرض الحسنه بوده و از این رو همسو با مبانی دینی تلقی شود.

۲-۹- تعاون و همکاری گروهی

اساسا زندگی اجتماعی انسان ها بر اصل ارتباط و وابستگی متقابل بنا شده است. در این میان، استقرار نظام تعاون و همکاری دوسویه را می‌توان به عنوان پیش شرط و زمینه ضروری برای استمرار نظام مند اصل ارتباط و ترابط اجتماعی و به موازات آن تحقق نیازهای انسانی در نظر گرفت.

نظام تعاون اجتماعی در واقع نظامی است که در آن فاکتورهایی چون کار گروهی، داوطلبانه و نظام مند نقش ذاتی ایفا می‌نماید. معانی ای همچون همکاری، کنش متقابل و پیوسته، خودیاری، همیاری، کمک به دیگری و... از جمله شایع ترین معانی برای تعاون ذکر شده است.

تعاون یکی از اصول اخلاقی مهم است که در قرآن با صیغه امر به آن اشاره شده و همین امر نشانگر اهمیت والای آن است. در قرآن کریم -به عنوان قانون اساسی اسلام- آیات متعددی در این باره وجود دارد که مسلمانان و مومنان را به تعاون و همکاری و همیاری سفارش می‌کند.

از جمله آیات مرتبط با موضوع تعاون می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- و تعاونوا علی البر و التقوی (و شما باید در نیکوکاری و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید).^{۲۲}

به ارزش بسیار بالای آنها پی برد. این روایت حاکی است که معاویه ۲۰۰ هزار دینار برای خرید عین ابی نیرز به امام حسین (ع) پیشنهاد کرد ولی امام آن مبلغ را نپذیرفت.

از اشاره‌هایی که در وقف نامه ها و گزارش های معطوف به برکات اقتصادی امام علی (ع) وجود دارد چنین به دست می‌آید که آن حضرت علاوه بر ینبع در نواحی متعدد دیگری از مدینه فعالیت های عمرانی مانند حفر چاه ها و احداث مزارع و نخلستان ها داشته اند. در وقف نامه ای که آن حضرت به دست مبارک خود نگاشته شده اند به اموالی در وادی القری، وادی ترعه، وادی اذنیه و فقیر اشاره شده است. ابن شهر آشوب همچنین در ذکر برکات اقتصادی امیرالمؤمنین (ع) به موارد دیگری اشاره نموده است از جمله این موارد که در نصوص تاریخی دیگر هم به آن اشاره شده است حفر چاه هایی در کناره‌های راه مدینه - مکه است.

^{۲۲} سوره مائده، آیه: ۲.

۲- یوئثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (هرچند به چیزی نیازمند باشند، باز دیگران را در آن بر خویشتن مقدم می دارند.)^{۲۳}

در روایات دینی نیز بر موضوع تعاون و همیاری تا آن جا مورد تاکید قرار گرفته است که بنی آدم را اعضای هم می داند. به عنوان مثال پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

المؤمنون اخوة يقضي بعضهم حوائج بعض فيقضي الله لهم حاجتهم. (مؤمنان با یکدیگر برادرند و نیازهای یکدیگر را برآورده می کنند. خداوند نیز نیاز آنان را برآورده می سازد.)^{۲۴}

ایشان همچنین در جای دیگر می فرمایند: مثل المؤمنین في توادهم و تعاطفهم و تراحمهم مثل الجسد اذا اشتكى منه شيء تداعي له سائر الجسد بالسهر و الحمي. (مثل مومنان در پیوند و دوستی و محبت و رحمت به هم (و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر) مثل یک پیکر زنده است که اگر چیزی از آن به درد آید، دیگر اجزای پیکر نیز با آن هم دردی می کنند.)^{۲۵}

نیز امام باقر (ع) می فرماید:

من مشي في حاجة لآخيه المسلم حتى يتمها اثبت الله قدميه يوم تزل الاقدام. (کسی که برای برآوردن نیاز برادر مسلمانش حرکت کند و بکوشد تا آن را به پایان برساند، خداوند متعال، گام های او را در روزی که قدم ها می لرزد، ثابت و استوار خواهد کرد.)^{۲۶}

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با تاکید بر روح تعاون و یکدلی بین خویشاوندان، آن ها را به یاری و مهربانی با یکدیگر دعوت می نماید، آنجا که می فرماید: « أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَ إِن كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ [عَشِيرَتِهِ] وَ دَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ هُمْ أَكْبَرُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَ أَلْمُهُمْ لِشَعْبِهِ وَ أَعْظَمُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا [إِنْ] نَزَلَتْ بِهِ وَ لِسَانُ الصِّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِمَرْءٍ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ [يُورِثُهُ غَيْرُهُ] بِرِثَتِهِ غَيْرُهُ. و منها: أَلَا لَا يَغْبِلُنَّ أَحَدَكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِأَلْيَدِي لَا يَزِيدُهُ إِذْ أَمْسَكَهُ وَ لَا يَنْقُصُهُ إِذْ أَهْلَكَهُ وَ مَنْ يَقْبِضْ يَدَهُ عَنْ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّمَا ثَقْبُضُ مِنْهُ عَنْهُمْ يَدٌ وَاجِدَةٌ وَ ثَقْبُضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أَيْدٍ كَثِيرَةٌ وَ مَنْ تَلَبَّ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِيمُ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ. ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد،

باز از خویشاوندان خود بی نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ ترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند و اضطراب و ناراحتی او را می زدایند و در هنگام مصیبت ها به او، پرعاطفه ترین مردم می باشند. آن کس که دست دهنده خود را از

^{۲۳} سوره حشر، آیه: ۹.

^{۲۴} فضل الله راوندی کاشانی، النوادر، ص ۸.

^{۲۵} نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۲.

^{۲۶} محمدحسین ابن تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۴۰۸.

بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آن‌ها گرفته، اما دست‌های فراوانی را از خویش دور کرده است و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت.»

۲۷

سرتاسر تاریخ اسلام پر از نمونه‌هایی است که سبب تقویت و گسترش روح تعاون در جامعه گردیده و تا کنون نیز ادامه داشته‌اند. همیاری مردم در برپایی اعیاد و مراسم مذهبی، عزاداری، ساخت مساجد، مدارس، حسینیه‌ها و غیره نمونه‌هایی از این مدعاست.

با توجه به روایاتی که در فضیلت همدلی و تعاون ذکر شد، در می‌یابیم که این صفت فضیله از جمله صفاتی است که مورد توجه و تاکید بسیاری از ائمه معصومین(ع) بوده است؛ چرا که یاری رساندن به مومن از جمله عباداتی است که مورد رضایت خداوند است، به همین دلیل از بسیاری عبادات با فضیلت‌تر و مهم‌تر شمرده شده است.

در نتیجه فعالیت مشترک مردم بر پایه تعاون می‌تواند یکی از شاخصه‌های تاییدی در خصوص اعتبار نهادهای مدنی مرتبط با این حوزه باشد.

۳-۹- انسجام روابط اجتماعی

از آنجایی که انسان بالطبع و یا بلاضطرار موجودی اجتماعی است و داشتن روح جمعی در میان انسان‌ها از برجسته‌ترین ویژگی‌های ایشان به شمار می‌آید و نیز از آن‌جا که اساساً امکان سودهی به یک زندگی تکامل جویانه برای ابناء بشر بدون یک زیست مشترک جمعی به سختی امکان پذیر است، لذا فرامین و دستورات دینی در اسلام عموماً بر پایه‌های اجتماعی و جمعی بنا شده و حتی تکالیف روزمره‌ای همچون نمازهای پنج‌گانه نیز به صورت جمعی و در فضایی جمعی مورد تشویق قرار گرفته‌اند.

فلسفه «اجتماعی سازی مناسک» و رفتارهای فردی مکلفان دینی در واقع برآمده از تلاش شارع مقدس برای ایجاد و بسط روح همبستگی و تعلق اجتماعی افراد جامعه نسبت به یکدیگر و در نهایت ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و روحیه مشارکت میان ایشان در تمامی شئون حیات اجتماعی است.

با توجه به همین ویژگی‌های اجتماعی محور دین است که برخی جامعه‌شناسان بر این نکته تاکید می‌نمایند که دین پیوستگی‌های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت آنان کمک می‌کند تقویت می‌نماید. از جمله این جامعه‌شناسان آگوست کنت است. وی جامعه را نیازمند انسجام می‌داند و دین را نیز مهمترین عامل این انسجام

۲۷ نهج البلاغه خطبه ۲۳.

معرفی می کند، بنابراین به نظر او هیچ گاه نمی توان جامعه را بدون انسجام و از این رو بدون دین تصور نمود و مادامی که جامعه وجود دارد دین نیز وجود دارد. از این رو نظم و انسجام اجتماعی که اصلیتین دغدغه کنت است، دین را مهمترین عامل نظم بخشی و انسجام جامعه می داند. علاوه برکنت، دورکیم نیز دین و دینداری را موجب انسجام و همبستگی نهادها و گروه های اجتماعی و افراد آن می داند.

به طور مصداقی یکی از اساسی ترین موضوعات مطرح در روابط اجتماعی مسلمانان که از آغاز ظهور اسلام و خصوصا پس از تشکیل حکومت اسلامی مورد توجه قرآن مجید و شخص پیامبر اکرم (ص) قرار داشت، مسئله حیاتی وحدت و انسجام جامعه اسلامی بوده است. قرآن و سنت، مسلمانان و امت اسلامی را به حفظ وحدت و همدلی و یکپارچگی سفارش کرده اند.

آیات فراوانی در قرآن مجید از این موضوع سخن گفته و هرگونه تشتت و یا واگرایی در فرایند اجتماعی جامعه را که منجر به تفرقه و فروپاشی اتحاد میان مسلمانان شود، مورد نکوهش خود قرار داده است. به عنوان آیات ۱۰۳ سوره آل عمران و ۶۳ سوره انفال به صراحت بر ضرورت وحدت مسلمین تاکید نموده و می فرمایند:

۱. و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا. (و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام، هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید!)

۲۹

۲. و الف بين قلوبهم لو انفقت ما فى الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم و لكن الله الف بينهم. (و میان دلهايشان الفت انداخت، که اگر آن چه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دلهايشان الفت برقرار کنی.)^{۳۰}

علت اینکه در اسلام تا این حد درباره وحدت و یکپارچگی تأکید شده، آن است که مردم فقط در سایه اتحاد و همبستگی می توانند موانع انجام هر کاری را از سر راه بردارند زیرا با استفاده از تمام ظرفیت، استعداد، قدرت، اراده و انگیزه ای که در یک جا جمع شده است، می توان به مقصد مورد نظر رسید.

به راستی اگر امتی به صورت یکپارچه و مصمم و با استعانت از خداوند متعال اراده کند، می تواند در تمام امور زندگی اجتماعی، سرنوشت خود را تغییر دهد و با سرعت نردبان رشد و ترقی و کمال را طی کند، که نمونه های بارز آن را در طول تاریخ اسلام مشاهده می کنیم.

^{۲۸} محمد عزیز بختیاری و فاضل محسنی، نظریه های اجتماعی دین، ص ۶۱ و ۱۰۹.

^{۲۹} سوره آل عمران، آیه: ۱۰۳.

^{۳۰} سوره انفال، آیه: ۶۳.

پیامبر اکرم (ص) که خود محور اتحاد و انسجام اسلامی است با متحد کردن گروه ها و احزاب مختلف از جمله انصار و مهاجرین، قبایل اوس و خزرج و دیگران توانست در سخت ترین شرایط و در دوران جاهلیت، روند حرکت اجتماعی را تغییر دهد، پرچم انسان ساز اسلام را به اهتزاز درآورد، احکام اسلامی را اجرا نماید و نام اسلام و آیین الهی را در کوتاه ترین زمان ممکن جهانگیر سازد.

این موضوع از نظر دانشمندان و مورخان غیراسلامی نیز مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده اند. به عنوان نمونه توماس کارل گفته است: «خداوند، عرب را به وسیله اسلام از تاریکی به سوی روشنایی ها هدایت فرمود. از ملت خموش و راکدی که نه صدایی از آن در می آمد و نه حرکتی محسوس، ملتی به وجود آورد که از گمنامی به سوی شهرت، از سستی به سوی بیداری، از پستی به سوی فراز، و از عجز و ناتوانی به سوی نیرومندی سوق داده شد. نورشان از چهارسوی جهان می تابید. از اعلام اسلام یک قرن بیشتر نگذشته بود که مسلمانان یک پا در هندوستان و پای دیگری در آندلس نهادند و بالاخره در همین مدت کوتاه، اسلام بر نصف دنیا نورافشانی می کرد.»^{۳۱}

همچنین جان دیون پورت - دانشمند معروف انگلیسی- می نویسد:

«محمد(ص) یک نفر عرب ساده، قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین آنها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی کرد، و کمتر از سی سال، این طرز و روش امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد و سلاطین ایران را از بین برد، سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد.

آری محمد قهرمان همان مردی است که شور و حرارت و نبوغش توانست دینی را تاسیس کند که همان دین چنان قوی شد که پیروان زرتشت را به صورت چند جامعه پراکنده تنزل داد و پس از تسخیر کردن هندوستان، کیش برهمنی سابق و همچنین کیش بودائی را که بسیار انتشار یافته بود از میان برد و آن همه ایالات و ولایات را از حیطة اقتدار مسیحیت منتزع ساخت و به تدریج تمام قسمتهای شرق و مستعمرات آفریقایی روم را از سرزمین مصر گرفته تا جبل الطارق متصرف شد.»^{۳۲}

به طور طبیعی کارویژه مهم انسجام بخشی و وحدت آفرینی می تواند به مثابه یکی از مهم ترین شاخصه ها در ارزیابی و انطباق پذیری نهادهای مدنی با بنیادهای دینی در نظر گرفته شود.

^{۳۱} جعفر سبحانی تبریزی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۶۳ - ۶۴.

^{۳۲} John Davenport. An apology for Mohammed and the Koran, p.p: 54-55.

۴-۹- نظارت و مسئولیت همگانی

عدالت، عمومی ترین مفهوم اخلاقی است که در حقیقت به مثابه معیار و استاندارد ارزیابی دیگر اصول اخلاقی به شمار می آید. به دیگر بیان ارزش گذاری در مورد تمامی مفاهیم تربیتی، اخلاقی و اجتماعی نیز از طریق نسبت سنجی با عدالت صورت می پذیرد.

با این حال نکته بسیار مهم درحوزه عدالت آن است که اساسا تحقق عدالت در جامعه جز با حضور و مشارکت عمومی و همگانی امکان پذیر نخواهد بود. از همین رو در ساختار نظام سیاسی اسلام همان گونه که مردم با پذیرش و بیعت با یک نظام سیاسی به حکومت حاکمان آن فعلیت می بخشند، همان سان نیز مکلفان از حق نظارت بر رفتارهای حکام خود برخوردارند. قرآن کریم بارها به این مساله تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» که خود شکلی از نظارت بیرونی بر رفتار حکومت محسوب می شود اشاره کرده است. در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر (و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.)^{۳۳}

۲. كنتم خير امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنكر (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار پسندیده فرمان می دهید، و از کار ناپسند بازمی دارید.)^{۳۴}

همچنین در قرآن کریم در مورد قوم بنی اسرائیل نقل شده است که گروهی به خاطر ارتکاب گناه و گروهی به دلیل ترک وظیفه نظارتی «امر به معروف و نهی از منکر» به عذاب دچار شدند و تنها، کسانی که در برابر ارتکاب فعل ناشایست دیگران واکنش نشان دادند نجات یافتند.^{۳۵}

در بیان اهمیت و ضرورت نظارت بر رفتار زمامداران، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «هیچگاه کسی به خاطر عمل دیگری مجازات نمی شود مگر در زمانی که گروهی در برابر کژی ستمکار سکوت کنند و حساسیت عمومی در برابر بی عدالتی ها منتفی گردد، در این هنگام خداوند همه را مجازات خواهد نمود.»

^{۳۳} - سوره آل عمران، آیه: ۱۴.

^{۳۴} - سوره آل عمران، آیه: ۱۱۰.

^{۳۵} - سوره اعراف، آیه: ۱۶۴. (وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۗ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۗ قَالُوا مَعْذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ ۖ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ)

همچنین امیر مومنان حضرت علی (ع) در خصوص اهمیت و ضرورت این فریضه نظارتی می فرمایند: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثه فی بحر لحي» هیچ کار نیکی با آن برابری نمی کند حتی جهاد در راه خدا و تمام کارهای نیک در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره اند در برابر دریای موج و پهناور است.^{۳۶}

در نتیجه شکل گیری و تاسیس نهادهای مدنی با هدف نظارت بر عملکرد و رفتار زمامداران می تواند با شاخه مهمی چون نهاد امر به معروف و نهی از منکر انطباق داشته و در نتیجه مورد تایید مبانی دینی باشد.

در هر صورت چهار شاخصه فوق می تواند به گونه ای موید شرعی برای تاسیس نهادهای دینی باشد. مشروط به آن که صرفاً وجه کارکردی نهادهای مدنی - واسط بودن میان مردم و حاکمیت و ایفای برخی از کارویژه های حاکمیتی - موردنظر بوده و بتوان مبانی پارادایمی برآمده از روح تئوری های مدرن همچون سکولاریسم و اومانیسم را از آن انتزاع و تجرید نمود.

^{۳۶} نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

فصل دوم: ضرورت و هدف از تاسیس نهادهای مدنی

مقدمه: امکان پذیری تمدن سازی تنها از طریق تاسیس نهادهای مدنی

آن گاه که سخن از ساختار حکومت به میان می آید، عموماً قوای حکومتی را به سه قسم قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه دسته بندی نموده و با هدف اداره مناسب جامعه، ساختار، وظایف، ترکیب و نحوه تعامل میان ایشان را در قانون اساسی و نیز دیگر قوانین معین می کنند.

پس از آن، سخن از قدرت و قوه دیگری با عنوان «رسانه» به میان می آید که با وسایل پیشرفته و تکنیک های برتر و متنوع، نقش مهمی را در جامعه ایفا نموده و و آثار شگرفی را بر جای می گذارد. اهمیت رسانه تا بدانجاست در ساختار نظامات سیاسی عموماً از آن تحت عنوان «قوه چهارم» یاد می شود. در حقیقت رسانه نقش هماهنگ کننده بین قوای سه گانه حکومت را به عهده گرفته، جامعه را به اهدافی که دولت آن را از پیش تعیین کرده رهنمون می سازد و در نهایت با تکنیک ها و مهارت های فنی خاص خود، زمینه های اجرای اهداف یادشده را مدیریت نموده و به پیش می برد.

امکان پذیری انحراف در حکومت ها، قوای حاکمه و سازمان های دولتی و نیز احتمال عدم اعتناء و توجه به اراده و خواست ملت ها - که گاه تا بدانجا پیش می رود که دولت ها برای حفظ موجودیت خود، از در خصومت با مردم درآمده و ماهیت اشان به استبداد، انحصار، اقتدارگرایی و ظلم و فساد منتهی می گردد- نقش و رسالت مهمی را بر دوش رسانه می گذارد.

با این حال، اصحاب رسانه نیز خود مصون از خطا نبوده و ممکن است به دلایلی ضمیر و وجدان انسانی خود را زیر پا نهاده و آلت دست حکومت های مستبد و فاسد شده و از رسالت و اهداف خیر خواهانه خود فاصله بگیرد و انصاف و صداقت و راستی را، به دادن اطلاعات غلط، تحریف، تزویر، دروغ و حقه بازی مبدل ساخته و در نتیجه این قدرت در خدمت حکومت های فاسد قرار بگیرد.

امکان فساد حاکمیت ها از یک سو و رسانه ها از دیگر سو جوامع بشری را بدین جمع بندی رسانید که نهادها و سازمان هایی را تاسیس کنند که از ویژگی های ذیل برخوردار باشد:

- نمایندگی کننده اراده، خواست و نقطه نظرات جمعی مردم

- گام برداشتن در مسیر تامین مصالح مردم

- مشارکت در خدمت رسانی و سازندگی و رفاه اجتماعی
 - استیفای شجاعانه و قدرتمندانه حقوق و مصالح ملت
 - کمک به برساختن جامعه ای متمدن که بر پایه و اساس حقوق طبیعی در زندگی اجتماعی، همراه با آزادی و کرامت باشد پی ریزی شود
- در دوره معاصر نهادهایی با ویژگی های فوق را «نهادهای مدنی» می نامند.

۱- نقش نهادهای مدنی در زندگی اجتماعی

- به طور کلی نهادهای مدنی نقش ها و کارویژه های مختلفی را در حیات اجتماعی ایفا می نمایند که در ذیل به صورت فهرست وار به آن ها اشاره می شود:
- جهت دادن به خواسته های ملت به گونه ای که به تامین مصالح و منافع ایشان بیانجامد
 - مشارکت در تصمیم سازی صواب در مسائل مهم و کلان جامعه
 - دفاع و استیفای حقوق از دست رفته ملت
 - همکاری و مشارکت در رفع مشکلات و نابسامانی ها و همدردی و همراهی در برونرفت از ناملایمات و تنگنا های موجود جامعه
 - ارتقا بخشی و آماده سازی افراد جامعه از طریق زمینه سازی و ایجاد بسترهای لازم جهت نیل به پیشرفت و توسعه جامعه
 - کنترل و نظارت بر فعالیت های قوای دولتی و سازمان های رسمی، ارزیابی وظایف، یافتن نقاط ضعف و قوت، پیشگیری از فساد اداری و مالی، پیگیری و مطالبه سرسختانه بر حسن انجام وظایف از سوی ایشان
 - تلاش جهت رفع نابسامانی های اجتماعی
 - رهبری و سازماندهی فعالیت های اجتماعی نهادهای مدنی و تبیین و اقناع افکار عمومی در راستای ضرورت وجود و نقش آفرینی این نهادها

۲- عوامل موفقیت نهادهای مدنی در کسب اعتماد جامعه

نهادهای مدنی در صورتی می‌توانند اعتماد و اطمینان افراد جامعه را متوجه خود سازند، که به وظایف مهم و سنگین خود با رعایت انصاف و با بی‌طرفی کامل، جامعه عمل بپوشانند؛ که در این صورت اقبال و اعتماد و پشتیبانی افراد جامعه را نصیب خود خواهند کرد؛ و در نهایت، همراهی ملت با نهادهای مدنی، قدرت و اقتدار آن‌ها را در انجام وظایف و مطالبه حقوق ملت و نیز در تصمیم‌سازی در مسائل مهم و کلان جامعه نمایان می‌گرداند و نتایج مثبت فراوانی را در پی خواهد داشت. اما آن‌چه که مهم بنظر می‌رسد، این است که تشکل‌های مدنی از چه راه‌هایی می‌توانند اعتماد و اطمینان جامعه را کسب کنند؟ در ذیل به چند نکته اساسی در این زمینه را، مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۳- روش‌ها و عوامل ایجاد جلب اعتماد و اطمینان جامعه به نهادهای مدنی

اساساً موفقیت و کارآمدی تمامی بازیگران و از جمله نهادهای مدنی در هر جامعه بشری، بیش از هر چیز مرهون توفیق و کامیابی ایشان در جلب اعتماد و اطمینان گروه‌های مختلف اجتماعی است. چه آن‌که اساساً بزرگ‌ترین سرمایه هر نهاد مدنی در واقع اعتماد گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی به آرمان‌ها، اهداف و در نهایت عملکرد آن است.

در این میان طیف مختلفی از عوامل جلب‌کننده اعتماد مردم به نهادهای اجتماعی را مورد احصاء قرار داد که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- استقلال و عدم مداخله در کشمکش‌های تند سیاسی علیه قدرت حاکمه
- عدم ورود در مبارزات و منازعات پرجدل میان جناح‌های سیاسی رقیب
- انگیزه خدمت به مصالح و منافع عمومی جامعه در انجام وظایف و فعالیت‌ها
- آگاهی و قدرت بر تشخیص علل ضعف و نابسامانی‌های موجود در روند حرکت رو به پیشرفت جامعه
- توان برنامه‌ریزی و ایجاد چشم‌انداز و ترسیم الگوی کسب منافع و عزت و کرامت برای جامعه (جهت نیل به پیشرفت)
- پرهیز از انحصارگرایی و منفعت‌طلبی شخصی و گروهی

۳- راهکارهای لازم جهت کارآمدی نهادهای مدنی

نهادهای مدنی نیز همچون دیگر موجودیت های اجتماعی برای به ثمر نشستن و کارآمدی هر چه بیشتر نیازمند زمینه ها و پیش شرط های متعددی است که نادیده گرفتن و تجاهل نسبت به هر یک می تواند زمینه ساز ناکارآمدی و گاه حتی زوال نهاد باشد.

در این میان مرحله مقدماتی و در عین حال اساسی برای شروع، همان تاسیس و راه اندازی نهاد مدنی است. چه آن که پس از تاسیس، سایر مراحل را می توان قدم به قدم خلق کرده با پوشش دادن نیازهای گوناگون، فعالیت های مختلف را پی گرفت. پس از گذار از مرحله تاسیس، نوبت به مرحله آشنایی اعضا و سپس شناخت ایده ها و تبادل آراء می باشد. پس از سپری کردن مراحل مقدماتی در هیئت مرکزی نهادهای مدنی، و با هدف تأیید نهایی و سازماندهی فعالیت و تقسیم کارها می بایست امور ذیل به دقت مورد پیگرد قرار گیرند:

۳-۱- تدوین آیین نامه

آیین نامه در واقع طرحی مکتوب است که در آن به تعریف نهاد، فلسفه و اهداف تاسیس آن، فعالیت های ویژه آن، نقش نهاد در جامعه و در نهایت پاسخگویی به پرسش ها و شبهات در خصوص ماهیت نهاد، اشاره می شود.

به عنوان نمونه شبهاتی در خصوص مغایرت و تضاد ذاتی نهادهای مدنی با نهادهای دینی و مذهبی ذکر شده است که در حقیقت برآمده از این نکته است که آیا شما در پی تاسیس نهادهای مدنی و یا نهادهای دینی و مذهبی هستید؟

می توان ادعا کرد که این شبهه منشأ تاریخی داشته و از نحوه تعامل کلیسا و روحانیون مسیحی در قرون وسطی ناشی شده است. زیرا کلیسا در آن برهه از حیات تاریخی خویش، مانع پیشرفت و ترقی جامعه بشری بوده و با علم و فناوری سخت مخالفت می کرد.

چنان تجربه تاریخی از نحوه تعامل نهاد مذهبی جامعه و متولی رسمی دین در جامعه ترسی را در جغرافیای ادراکی جهان اسلام حاکم کرده است که آیا دین اسلام و روحانیت مسلمان از چنان طرز تفکری که در قرون وسطی بر جامعه حاکم بود برخوردارند یا برعکس فضای تعاملی مثبتی میان نهاد دین و متولیان آن با نهادهای مدنی فعال در جامعه اسلامی وجود دارد؟

حقیقت آن است که اسلام تفاوت های بسیاری با مسیحیت دوران قرون وسطی دارد. برعکس مسیحیت اروپایی، اسلام خود عنصر مهمی در تمدن سازی جامعه بوده و در اندک زمانی پس از پیدایش، جامعه بدوی و ابتدایی آن روزگار را به حکومتی عظیم تبدیل کرد که امت بزرگ اسلام را رهبری می کرد. اسلام با سرعتی باور نکردنی، جامعه آشفته و پرهرج و مرج آن دوره را سامان بخشیده و امتی یکپارچه و متحد و برخوردار از فرهنگ ناب دینی تولید نمود که توان رویارویی با ابر قدرت های بین المللی آن زمان همچون امپراطوری ایران و روم را پیدا نمود.

با یک بررسی اجمالی در نظام و ساختار حکومت دینی در صدر اسلام می توان به نهادهایی همچون وقف، نذر، قانون، سازمان دادگستری، دادگاه نظامی، دار الحکومه، بیت الحکمه و ... برخورد که برخی از آن ها همانند نذر و وقف بدون هیچ تردیدی از نوع نهادهای مدنی به شمار می آیند.

دشمنان اسلام و مسلمانان با هدف تلاش برای جلوگیری از شکل گیری امت قدرتمند اسلامی و تجدید حیات هویت اسلامی اقدام به شبهه افکنی و اعلان تضاد تشکل های مدنی و نهادهای دینی و کارکردهای آن نموده و قائل به عدم امکان جمع میان این دو می شوند.

این در حالی است که با مراجعه به تاریخ مشاهده می شود که بشریت بدون عنصر دین به تمدن، فرهنگ، پیشرفت و ترقی دست نیافته و تنها در سایه دین توانسته است به این درجه از تکامل و پیشرفت دست یابد. به عنوان نمونه مراجعه به تاریخ می بینیم که اسلام وقتی که در جزیره عربستان ظهور کرد چگونه مردم و ساکنان آن سامان را از آن درجه از انحطاط و عقب ماندگی به امتی برخوردار از کرامت، عزت و آزادی - که توانست تمدن عظیمی را در جهان شکل دهد - رسانید.

پس نباید گمان برد که نهاد های مدنی ناسازگاری ذاتی با دین دارند. چرا که برخی از نهادهای مدنی با هدف اجرای گزاره های دینی و برای عینیت بخشی به آموزه های دینی تاسیس و راه اندازی می شوند. لذا دو انگاری نهادهای مدنی با دین، اساسا اگر نگوییم که برای تشویش اذهان و شبهه افکنی است برآمده از عدم شناخت صحیح این دو امر (نهاد مدنی و دین) است.

۳۸

۳۸ ملت عراق بعد از فراهم آمدن زمینه های مناسب برای تغییر و تحول، به سرعت توانست از وضع اسف باری که در آن به اسارت کشیده شده بود، خود را به آن سطحی از فرهنگ غالب کشورهای جهان برساند. این در حالی که گذشته دراز مدت دردناکی از استبداد و ظلم و محرومیت و عدم توجه به علم و پیشرفت را تجربه کرده بود. عراق بدون برخوردار از کمترین بسترهای مناسب برای تحول در ساختار اجتماعی و سیاسی، خودش را به آن مراحل لازم از سطح جهانی رسانیده و نهادهای مدنی را در زمینه های مختلف زندگی همچون علم، فرهنگ، اقتصاد و نیز امور مذهبی، اجتماعی و

در نتیجه نهادهای مدنی نه تنها تعارضی با ماهیت دین ندارند که برعکس در راستا و طول نهادهای دینی طبقه بندی می شوند و در فرض عدم تضاد محتوایی نهاد با آموزه های دینی، نهادهای دینی و نهادهای مدنی می توانند مسیر واحدی را برای اداره هرچه بهتر جامعه ارائه نمایند.

۲-۳- سازمان اداری

از دیگر مولفه های بسیار تاثیرگذار در کارآمدی نهادهای مدنی می توان به ساختار اداری و هندسه سازمانی این بازیگران اجتماعی اشاره داشت. در حقیقت سازمان اداری تعیین کننده شکل و چگونگی فعالیت یک نهاد مدنی در سطح جامعه، تبیین کننده کیفیت مناسبات اعضاء نهاد و در نهایت نشانگر احتمالی اهداف نهاد در سطح اجتماع خواهد بود.

هیئت مرکزی نهادهای مدنی باید برای سامان دادن و سازماندهی فعالیت ها و برنامه های خویش، ساختار اداری سازمان را طرح ریزی کرده و نقشه ای مدون و هندسه ای دقیق برای شکل کنشگری نهاد فراهم نماید. پیگیری و انجام کارهای تعریف شده در خصوص تشکل های زیر مجموعه ی خود و نیز امور مورد توافق و تفاهم میان نهادهای مدنی با ادارات دولتی و وزارتخانه ها و... در گروی تدوین صحیح چنان سازمانی است.

مواردی همچون شناسایی خانواده های نیازمند و معرفی آن ها به وزارت کار و امور اجتماعی جهت قرارگرفتن تحت پوشش موسسات اجتماعی، کمک به سازمان اوقاف جهت مساعدت در موضوع ازدواج جوانان، همکاری با وزارت مهاجرت و مهاجرین در راستای کمک به خانواده هایی که به سبب حکومت مستبد سابق [حکومت صدام] آواره شده اند، و نیز پیگیری های لازم در خصوص ایجاد فرصت کار و اشتغال برای فرزندان خانواده های نیازمند و نیز خانواده های شهدا، زندانیان، آواره و مظلوم می تواند نمونه هایی از همکاری متقابل نهادهای مدنی و نهادهای حاکمیتی به شمار آید.

اولویت دیگری که باید به آن پرداخته شود، راه اندازی دفتر میریت هیئت مرکزی نهادهای مدنی است، تا بتوان اهداف از پیش تعیین شده نهاد را بهتر مورد اجرا قرار داد. چه آن که کشف و شناسایی شعب و نهادهای زیر مجموعه، مکان و نوع فعالیت آن ها و دیگر امور مربوطه، نیازمند مکانی مناسب است تا بتوان بهتر به امور رسیدگی و آن ها را

اخلاقی تأسیس نمود. زنان جامعه با اینکه قشری بود که درد، آسیب، محرومیت و تبعیض بیشتری را از بین دیگر اقشار جامعه چشیده بود با این وجود گوی سبقت را در تغییر و تحول و راه اندازی نهادهای مدنی را به خود اختصاص داده و موجب شگفتی و خشنودی واقع گردید و تعامل منفی انسان های کوتاه بین، متحجر و مستبد، ایشان را از تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی باز نداشت.

برای حرکتی واحد در راستای سازندگی، ساماندهی کرده و در عین حال با اشراف بیشتری بتوان تقسیم کار مناسب میان بخش های مختلف نهاد را دنبال نمود.

مطلب مهم دیگری که حائز اهمیت است شناسایی مناطقی است که اثری از فعالیت نهادهای مدنی در آن ها مشاهده نمی شود. این امر نیز باید جزو مهم ترین برنامه های نهادهای مدنی بوده و از سوی ایشان مورد پیگیری قرار گیرد. نکته دیگری که شایان توجه است دوری و پرهیز از، موازی کاری است و این خطای تشکیلاتی را می توان با مدیریت قوی و متمرکز، مهار نموده و از آن اجتناب کرد. همچنین زمینه ها و عرصه های اجتماعی مغفول را می بایست شناسایی کرد تا بتوان تمام نقاطی که منشأ عقب ماندگی و یا مانع پیشرفت هستند را بر طرف نمود.

همچنین اختصاص بخشی از فعالیت نهاد مدنی به رصد و آمارگیری افراد متخصص و صاحب حرفه و تخصص -که آمادگی های لازم برای کار و اشتغال را دارند- مساله ای بسیار حیاتی تلقی می شود. ثبت مشخصات چنان افرادی در دفتری مخصوص کمک می کند تا در مواقع نیاز بتوان به سرعت خلأها را پر کرده و نیاز به فراخوان و امور مقدماتی دیگر برطرف گردد. چنین سیاستی کمک می کند تا وفقه ای در کارها پدید نیامده و انجام امور و برنامه ها با سرعت بیشتر امکان پذیر باشد.

کارهای مهم دیگری نیز وجود دارد که برای رسیدن به هدف از ضرورت بسیاری برخوردارند و می بایست مورد لحاظ قرار گیرند، اما بجهت اختصار از ذکر و بررسی آن ها اجتناب می شود و در آثار دیگر به آن ها پرداخته می شود.

۴- اهداف نهادهای مدنی

از آنجا که نهادهای مدنی، تشکیلاتی مردم پایه هستند لذا ماهیت این نهادها در تمامی مراحل تاسیس و استمرار بقاء خود و در راستای تامین اهداف اعلانی خود، نیازمند حمایت و پشتیبانی مردمی خواهند بود. عدم برخوردای این نهادها از چنان پشتوانه ای باعث رویارویی آن ها با مشکلات متعدد و چالش های فراوانی خواهد شد. وابستگی ریشه ای و تام این سازمان ها به مردم و جامعه موجب آن می شود تا حیات آن ها در فرض عدم حمایت از سوی مردم، با مخاطراتی جدی مواجه شده و حتی رو به زوال رود.

در نتیجه اهمیت و ضرورت شدید پشتیبانی مردمی، از مهم ترین کارویژه های این نهادها می توان به تعریف نهادهای مدنی، کارکردها، اهداف، فواید و آثار آن ها از طریق مجموعه ای مدون اشاره کرد. چنان اقدامی کمک می کند تا بتوان افکار عمومی را آگاه و اقناع کرده و انگیزه مشارکت مردم در این نهادها و نیز پشتیبانی ایشان از این نهادها را

به وجود آورده و تشدید نمود. در ادامه به اهداف نهادهای مدنی بطور مختصر اشاره می‌کنیم:

۱- پوشش دادن به تمامی نیازهای ضروری جامعه

با توجه به آن که درگیر شدن و مصروف ساختن تمام نیروها در موضوع واحدی همچون مسائل سیاسی باعث می‌شود که بیشتر مسائل دیگر جامعه همچون مسائل فرهنگی و اجتماعی و دینی و اقتصادی و ورزشی و مسائل مهم دیگر جامعه - که از حیث ارزش و اهمیت کمتر از مسائل سیاسی نیستند - بر زمین مانده و متولی جدی نداشته باشد، لذا نهادهای مدنی می‌توانند این بخش از نیازهای اجتماعی را پوشش داده و در راستای تامین آن‌ها تلاش نمایند.

۲- ایجاد زمینه‌های مساعد برای خدمات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی به جامعه با هدف و انگیزه تقرب و نزدیکی به خداوند متعال

در حقیقت قصد تقرب به پروردگار جهان را می‌توان از جمله وجوه تمایز میان انسان مکتبی با دیگر افراد عنوان کرد. چرا که چنین کسی صرفاً خواستار سروسامان دادن به خود نیست، بلکه می‌خواهد که زمینه‌های مناسب و مساعد برای همه ایجاد شود تا در سایه آن بتوانند به هدایت و تقرب برسند و به کمالات انسانی نائل آیند.

در ضمن باید دانست از آن‌جا که تشکیلات و سازمانهای سیاسی همچون احزاب و اصناف ظرفیت پذیرش وظایف و کارویژه‌های تمام نیروهای فعال در جامعه را ندارند لذا درگیر شدن همگان در این گونه کارها باعث می‌شود که تنش و درگیری و لاقلمواری در این کارها تشدید شود. در نتیجه برای کاستن از این گونه آفت‌ها باید نوعی تقسیم کار میان این نهادها و موسسات صورت پذیرد. در عین حال باید حقوق سیاسی تمام افراد (همچون حق نامزد شدن، پست‌های مهم سیاسی گرفتن و دیگر حقوق) محفوظ بماند.

۳- زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) و آماده‌سازی خویش برای حکومتی منظم و سازمان‌یافته بر اساس قواعد و اصول تمدنی

آن چیزی که امام عصر عج از شیعیان‌شان انتظار دارد آن است که خود را برای حکومتی منظم و سازمان‌یافته بر اساس قواعد و اصول تمدنی، آماده سازند. در نتیجه هر قدمی که در این راه برداشته شود مقدمه‌ای برای ظهور پر میمنت و مبارک ایشان می‌باشد. حضرت

^{۳۹} در این خصوص بطور مفصل در سخنرانی یکصد و سوم از مجموعه سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله‌ تعالی (زید عزه) تحت عنوان «خطاب‌المرحله» سخن به میان آمده است.

حکومتی را بر پا می کند که همه بشریت از عظمت و بزرگی این نظام برخوردار از سازمان و تشکیلاتی با مدیریت و سازماندهی قوی، مبهوت شده و همگان به بی نظیر بودن آن اقرار و اذعان کنند. آن گونه که ساحران فرعون وقتی عظمت و بزرگی معجزه حضرت موسی (ع) را دیدند تاب تحمل و مقاومت در برابر حق را نداشتند و به سجده افتادند.^{۴۰}

۴- نظارت بر اجرای دقیق وظایف و رسالت های موسسات و نهادهای دولتی

در حالی که دیده می شود که گاه موسسات دولتی به وظایف خود پایبند نبوده و احیاناً بر اساس مصالح و منافع حزبی و شخصی و زد و بند های سیاسی فعالیت نموده و از کارهای خود غافل مانده اند، نهادهای مدنی با نظارت و بررسی می تواند در رفع این گونه مشکلات نقش بسزایی داشته باشند.

۵- تربیت و پرورش نیروهای با کفایت برای اداره پست های مناسب کشور

نهادهای مدنی می توانند تربیت نیروهای با اخلاص و شایستگی، و برخوردار از دانش و تجربه کارشناسی (تعهد و تخصص) و همچنین برخوردار از روحیه خستگی ناپذیری و تلاش مستمر را برای تامین نیازهای نهادهای حاکمیتی وجهه همت خود قرار دهند.

۶- پیگیری مصالح و منافع عمومی

با توجه به عملکرد سوء احزاب و گروه های رسمی سیاسی، اعتماد ملت ها به ایشان تا حدود زیادی کاسته شده است. همین مساله سبب آن شده است این گروه ها تا حدود زیادی کارایی خود را از دست داده و مردم به نهادهایی روی آورند که قول و عمل صادقانه ای داشته باشند و مصالح و منافع عمومی را بر مصالح و منافع خود ترجیح بدهند.

با توجه به موارد فوق الذکر می توان ادعا کرد که مسیر را معین می کنند و هرگونه غفلت از این اهداف باعث انحراف و دور شدن از مسیر اصلی و صراط مستقیم می شود. از همین روست که قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر اهمیت ذکر و یاد خداوند متعال تاکید می کنند و

^{۴۰} سوره اعراف، آیه: ۱۱۸ تا ۱۲۲. (فوق الحق و بطل ما كانوا يعملون - فغلبوا هنا لك و انقلبوا صاغرين - و القى السحرة ساجدين - قالوا آمنا برب العالمین - رب موسی و هرون. (پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد - و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند - و ساحران به سجده درافتادند - گفتند: به خداوند جهانیان ایمان آوردیم - پروردگار موسی و هارون)

بهترین اعمال را یاد پروردگار معرفی کرده اند. چه آن که هدف و غایت، اوست و ذکر و یاد او -که مقصد و هدف اصلی است- موجب آن می شود تا همیشه متذکر بوده و با شناخت صحیح مسیر و طریق، به بیراهه ها منحرف نشویم.

۱-۴- اولویت نهادها، شناسایی و درمان فرهنگ بیمار جامعه

شناسایی ناهنجاری های اجتماعی و ریشه ها و زمینه های پیدایش آن ها و نیز تلاش برای حل و فصل و چالش های موجود فراروی جامعه از جمله اقداماتی است که می بایست نهادهای مدنی در اولویت برنامه های خود قرار دهند. چه آن که اگر تهدیدات و خطرات محسوس و نامحسوس، که جامعه را نابودی می کشاند به خوبی شناخته نشوند ممکن است افراد جامعه در معرض خطرها و آسیب های جدی قرار گیرند.

به عنوان نمونه اموری همچون به تاخیر افتادن سن ازدواج دختران، بی میلی پسران به ازدواج، زیاد شدن تعداد بیوه گان و فرزندان بی سرپرست و... از جمله آسیب هایی است که می تواند بنیان های جامعه را با چالش هایی عمیق مواجه سازد.

در مرحله بعد و پس از شناسایی آفت ها و تهدیدات فراروی جامعه، نهادهای مدنی می بایست با فکر و اندیشه جمعی به این جمع بندی برسند که با چه راهکارها و متدهایی می توان به مقابله با آن ها رفته و جامعه را از خطرات پیش رو نجات داد.

طبق آماري که نقل شده است، تعداد بیوه گانی - البته گاه به خاطر سن پایین آن ها حتی نمی توان نام بیوه را بر آن ها نهاد- که در کشور عراق در سن و شرایط ازدواج هستند به یک میلیون نفر و حتی بیشتر رسیده است. حقیقت آن است که به برکت آموزه های دینی و مذهبی، و اخلاق و آداب حاکم بر جامعه تا به حال آثار منفی این بحران اجتماعی چندان ظاهر نشده است و علائم سلبی این بیماری اجتماعی در جامعه سرباز نزده است.

در نتیجه می بایست هر چه سریع تر به فکر درمان و حل آن برآمده و با بصیرت افزایی و فرهنگ سازی به قبول تعدد زوجات -به اعتبار تنها راه شرافتمندانه که می توان مشکلات زنان جامعه را حل کند- به رویارویی با این تهدید برخاسته و آن را معالجه و درمان نمود.

نمونه دیگر معضلات اجتماعی مساله مسکن است. ساز و کار پیشنهادی ما برای حل مشکل مسکن این است که مسکن هایی با قیمتی مناسب و با قسط بندی بلندمدت در اختیار زنان جامعه قرار گیرد و برای تشویق فرزند آوری، تسهیلاتی از قبیل کاهش تصاعدی اقساط مسکن با تولد هر فرزند برای ایشان در نظر گرفته شود.

برای شناسایی مشکلات و تهدیدات می توان از روش هایی همچون گزارش گیری، پرسش نامه و آمار استفاده نمود تا بتوان همه مشکلات را رصد کرده و خللی در کارها و نتایج ایجاد نگردد. در واقع اگر آفت ها با نگاه تیز و با بصیرت شناسایی و درمان نشوند نتیجه ثمربخشی در پی نخواهد داشت و شاید نتیجه عکسی را به دنبال خواهند آورد.

نهادهای مدنی می بایست از همه دردها و شکایات مردم استقبال کرده و حرف و سخن آن ها را شنیده تا بهتر بتوان مشکل را شناخته و برای درمان آن اقدام نمود. طبیعی است که تشخیص بیماری مهم ترین گام در راستای درمان هر بیماری است.

از آنجایی که یکی از اصول و ارکان نهادهای مدنی، ویژگی داوطلبانه بودن، غیر انتفاعی بودن و نیت احسان آن ها است، لذا باید دانست که احسان ونیکی به مردم و مسرور و شاد کردن آنها، و بر طرف کردن گرفتاری و مشکلات آنان از بهترین راه هایی است که انسان را به خداوند متعال نزدیک می کند.^{۴۱}

ه- فراخوان عمومی برای تاسیس نهادهای مدنی

اگرچه نهادهای مدنی توسط گروه های مردمی - و نه نهادهای حاکمیتی- تاسیس می شوند، با این حال این مساله به معنای آن نیست که دستگاه های حاکمیتی نمی بایست هیچ گونه نقشی در فرایند تاسیس و استمرار حیات نهادهای مدنی داشته باشند.

واقعیت آن است که سازمان ها و موسسات دولتی و مراکز حکومتی می بایست در تاسیس نهادهای مدنی و تشکل های مردم نهاد سهم بسزایی برعهده گرفته و برای این گونه فعالیت ها و حرکت های اجتماعی -که در راستای ساماندهی به امور جامعه پدید می آیند- ارزش و اهتمام ویژه و در عین حال، تسهیلات و امکانات لازم را فراهم آوردند.

مردم -به عنوان متولیان اصلی نهادهای مدنی- نیز باید با راه اندازی موسسات مدنی کوتاهی های دست اندر کاران بخش های دواتی و سیاسی را جبران کرده و خلاء هایی که ایجاد می شوند را با برنامه ها و فعالیت های خود پر نمایند تا با رعایت تمامی جوانب احتیاط و دوراندیشی، حرکت جامعه به سوی پویایی و تعالی را تقویت و تشدید نمایند.

^{۴۱} حضرت آیت الله یعقوبی (زید عزه) در «فصل عناصر شخصیت مسلمان در بخش روایات اهل بیت» از کتاب «شکوی الامام» به این مساله به تفصیل اشاره فرموده اند.

اقدامات و تلاش‌ها در جامعه می‌بایست به گونه‌ای صورت بگیرد که همه جانبه و همه جوانب امر مد نظر قرار گرفته و فعالیت مستمر و بدون وقفه در این مسیر، با حکمت و درایت ادامه پیدا کند. روشن است که غفلت در این امر باعث می‌شود که هزینه‌های هنگفتی به جامعه تحمیل شود. لذا باید در این مسیر از هرگونه غفلت و نابخردی، اجتناب شود.

از آن جهت که افراد جامعه دارای سلیق و استعدادهای متفاوتی هستند باید تنوعی در برنامه و فعالیت‌های اجتماعی صورت بگیرد تا تمام افراد و اقشار جامعه که امکان و اراده مشارکت در امور اجتماعی را دارند، بتوانند در حوزه مورد علاقه و تخصص خود، با نشاط و اراده، کار و تلاش خود را پیگیری نموده و در نتیجه همگان در سامان بخشی به مقدرات کشور خود سهم باشند.

۶- اسلام و دعوت به جامعه مدنی

اسلام در چهارده قرن گذشته، پیش از دنیای متمدن امروز که به راه اندازی نهادهای مدنی می‌بالد و افتخار می‌کند، مردم را به تشکیل نهادهای مدنی دعوت می‌کرد و دقیقاً همین عملکرد موسسات و نهادهای معاصر را در فعالیت‌های خود داشت؛ همچون جمع‌آوری کمک‌ها و رساندن آن‌ها به مستحقین و نیازمندان و... اما با تفاوتی اساسی بین دو عملکرد، تفاوت اول در انگیزه و اخلاص در عمل؛ و ثانیاً در کارآمد بودن و تاثیر آن، و تفاوت دیگر در امانتداری آن‌چه در دست داشتن می‌باشد. در دین مبین اسلام آموزه‌هایی وجود دارد که مسلمانان را به تاسیس تشکلهای مدنی سوق می‌دهد، در ذیل به ذکر و شرح مشوق‌ها می‌پردازیم.

۶-۱- انگیزه‌های دینی در راه اندازی نهادهای مدنی

با توجه به کارنامه موجود از فعالیت‌های مدنی می‌توان انگیزه‌های گوناگونی را در ورای تاسیس و تشکیل نهادهای مدنی مورد رصد و احصاء و بررسی قرار داد. در ذیل به برخی از اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- کسب رضایت الهی و پاداش اخروی

همانطور که روایات و احادیث زیادی در این باره در مجموعه‌های روایی دینی آمده است که در آن‌ها بر این نکته تاکید می‌شود که فردی که در راه خدا به همنوعان خود کمکی کرده باشد از اجر و ثواب شایانی برخوردار است.

به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: إِنَّ اللَّهَ لَيُزَيِّي لِأَحَدِكُمْ الصَّدَقَةَ - كَمَا يُزَيِّي أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ - حَتَّى يَلْقَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مِثْلُ أُحُدٍ. خداوند بدان گونه صدقه های شما را می پروراند، - همانند شما در پرورش فرزندانان- که روز قیامت بمانند کوه احد در آیند.^{۴۲}

در حدیثی دیگر رسول اکرم (ص) می فرمایند: ارض القيامة نار، ما خلا ظل المومن فان صدقته تظله. زمین قیامت آتش است مگر جایی که مومن قرار گرفته، که صدقه او (در دنیا)، بر سرش سایه می اندازد.^{۴۳} حضرت امام علی (ع) نیز در همین خصوص می فرماید: الصدقة جنة من النار. صدقه سپری در برابر آتش است.^{۴۴}

در نتیجه فعالیت نهادهای مدنی که با هدف و انگیزه کمک به هموعان و به طور ویژه جامعه دینی صورت پذیرد، به طور طبیعی مورد تایید آموزه های دینی خواهد بود.

۲- کمک به ایجاد جامعه ای متمدن و پیشرفته

وجود و تاسیس نهادهای مدنی و داشتن فعالیت گسترده در یک جامعه از مظاهر و ویژگی های جامعه متمدن و پیشرفته بوده و می تواند خرسندی، خوشحالی، و تمجید دیگران را در پی داشته باشد.

۳- برطرف کردن نیازهای خاص جامعه

حقیقت آن است که جوامع بشری نیازهای متعدد و گوناگونی در حوزه های مختلف حیات خود دارند که گاه تامین آن ها از عهده و توان حکومت ها و قدرت رسمی خارج است. در این میان نهادهای مدنی می توانند با نیت و انگیزه تامین نیازهای یادشده پا به عرصه وجود گذارند.

به عنوان نمونه موسسات خیریه عموماً بر پایه ایفای نقش واسطه ای میان قشر برخوردار جامعه و قشر محروم و فراهم سازی زمینه های مساعدت به طبقه فقیر بنیان نهاده شده اند. اهمیت این موسسات مردم پایه که از آن ها تحت عنوان نهادهای مدنی یاد می شود، از آن حیث است که اقشار برخوردار و ثروتمند عموماً به دلیل مشغله های فراوان خود قادر به شناسایی گروه های محروم جامعه و کمک رسانی به ایشان نخواهند بود. از همین رو نهادهای مدنی این کارویژه را برعهده گرفته و واسطه میان دو طبقه یادشده می گردند.

^{۴۲} محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة ج ۹، ص ۳۸۳.

^{۴۳} محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۶.

^{۴۴} محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة؛ ج ۹، ص ۳۷۲.

در یک مطالعه موردی، گزارش های رسمی مرکز آمار کشور عراق اعلام کرده است که نسبت فقر و نیازمندی در کشور عراق ۲۴ درصد (چیزی قریب به یک چهارم جمعیت این کشور) می باشد که با یک حساب اجمالی به عدد بیش از هشت میلیون منتهی می شود.

به طور طبیعی گزارش یادشده از سوی مرکز آمار کشور، می بایست آثار خاصی را در جامعه ایجاد کند و جامعه خودش را از این بیماری -که آثار زیانباری را برای اجتماع در پی خواهد داشت- نجات دهد. در این خصوص افراد توانمند باید فعالیت ویژه ای را صورت داده و دست یاری به سوی نیازمندان دراز نمایند.

حجم بالای چنان قشر محرومی در یک کشور برخوردار از مواهب طبیعی و ثروت های نفتی، می تواند خطر بزرگی را پدید آورد. در نتیجه همه باید در برابر آن احساس مسئولیت نموده و هر یک از افراد جامعه با توجه به توانمندی های خود باید این مساله را جدی گرفته و در مسیر درمان آن، سعی و کوشش خود را بکار بندد.

طبیعی است که مطابق وعده های قران، خداوند متعال در این یاری همگانی، عنایات ویژه ای را بر بندگان خود افاضه خواهد نمود. این گزارش ها و اخباری که از وسایل خبر رسانی می بینیم و می شنویم ما را در برابر خداوند متعال مسئول می سازد و باید جوابگوی خداوند متعال باشیم و در صورت کوتاهی و بی اعتنائی سرزنش و عقاب را به همراه خواهد داشت.

باید دانست که عراق یک کشور غنی و پر درآمد می باشد و بودجه سالیانه آن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار می باشد و در این چند ماه اخیر پس از عربستان به دومین صادر کننده نفت در اوپک دست یافته است. اما با این وجود چرا شهروندان این کشور با فقر و تنگدستی روزگار خویش را سپری می کنند؟

خداوند متعال روزی بندگان خود را با چشم پوشی از نفت و درآمدهای آن، در زمین قرار داده و همه می توانند زندگی آبرومندانه و عزتمندانه ای داشته باشند. احادیث و روایات متعددی حکایت از آن دارند که وجود فقر و تهیدستی طبیعی در حدود ۲/۵ درصد می باشد و در شرع مقدس اسلام فقیر بر کسی اطلاق می شود که از برآورده ساختن اسباب اولیه زندگی با کرامت (از جمله منزل برای سکونت، اسباب ازدواج و درآمد مناسب) ناتوان باشد. با این حال، وضعیت بغرنج فقر و ناتوانی در جامعه امروز ما، به طور مستقیم برآمده از تضاد حال کنونی ما به آموزه های دینی و اسلامی است.

از جمله روایاتی که نسبت فقر طبیعی در جامعه را به میان آورده است می توان به روایت «ابو جعفر احوّل» استناد و استدلال کرد که از امام

جعفر صادق (ع) سوال می کند: «کیف صارت الزکاة من کل الف، خمسة و عشرين درهما؟ چگونه شد که از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم آن بعنوان زکات واجب شد؟ امام صادق (ع) در جواب این سوال می فرماید: ان الله عزوجل حسب الاموال و المساكين فوجد ما يكفيهم من كل الف، خمسة و عشرين، و لو لم يكفهم لزادهم. خداوند متعال اموال و فقرا را باهم سنجید و حساب کرد و یافت که آن چه آن ها را کفایت می کند از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم می باشد و اگر این مقدار آن ها را کفایت نمی کرد بیش از آن مقدار را معین می کرد.»^{۴۵}

در همین راستا روایت دیگری در کتب روایی شیعه وجود دارد که راوی آن «قثم» است. وی از امام جعفر صادق (ع) می پرسد: جعلت فداک اخبرنی عن الزکاة کیف صارت من کل الف، خمسة و عشرين، لم تکن اقل او اکثر، ما وجهها؟ جانم فدای شما از زکات سوال داشتیم و آن چگونه شد که از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم از آن، نه کمتر و نه بیشتر بعنوان زکات واجب شده است علت آن چیست؟

حضرت در جواب او می فرماید: «ان الله عزوجل خلق الخلق کلهم فعلم صغیرهم و کبیرهم و غنیهم و فقیرهم فجعل من کل الف انسان، خمسة و عشرين فقیرا و لو علم ان ذلک لا یسعهم لزادهم لانه خالقهم و هو اعلم بهم. خداوند عزوجل وقتی که تمام خلایق را آفرید به کوچک و بزرگ آن ها و به فقیر و ثروتمند آن ها آگاه بود و از هر هزار نفر از انسان ها بیست و پنج نفر را تهی دست قرار داد، و اگر می دانست که این مقدار از زکات آن ها را کافی نیست بیشتر می کرد زیرا که او آفریننده آنهاست و به احوال آن ها آگاه تر است.»^{۴۶}

باید دانست که فقر و تهیدستی برای فقرا امتحان و آزمایش است که در صورت صبر بر این امتحان پاداش صابران را برای خود به ارمغان می برند، همانگونه که قرآن کریم در آیه دهم از سوره زمر می فرماید:

«قل یا عباد الذین امنوا اتقوا ربکم للذین احسنوا فی هذه الدنيا حسنة وارض الله واسعہ انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب»

مطابق مضمون این آیه شریفه، بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب و به تمام خواهند یافت و در مقابل مال و ثروت برای ثروتمندان هم مایه آزمایش و امتحان می باشد که آیا آن چه را که خداوند متعال به آن ها دستور داده است عمل می کنند؟ آیا ایشان از آن چه که به آن ها عطا شده است در مسیر حل مشکلات به فقرا و تهی دستان بهره می گیرند یا خیر؟

^{۴۵} محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة؛ ج ۹، ص ۱۴۷.

^{۴۶} محمد بن یعقوب الکافی، الکافی، ج ۳، ص ۵۰۹.

^{۴۷} سوره زمر، آیه: ۱۰.

واقعیت آن است اگر ثروتمندان و افراد توانمند به مسئولیت خودشان پایبند بودند و فرمان الهی را اطاعت می کردند، حال بینوایان و فقرا به این وضع اسفبار نمی رسید. از امام صادق (ع) روایت شده است که ایشان فرمودند: «انما وضعت الزکاة اختیاراً للاغنیاء و معونة للفقراء و لو ان الناس ادوا زکاة اموالهم ما بقى مسلم فقیراً محتاجاً و لاستغنی بما فرض الله له و ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا الا بذنوب الاغنیاء، و حقیق علی الله تبارک و تعالی ان یمنع رحمته ممن منع حق الله فی ماله. زکات برای آزمودن توانگران و کمک به نیازمندان وضع شده است اگر مردم زکات مال خود را می پرداختند یک مسلمان بینوا باقی نمی ماند و همه نیازمندان با همین حقی که خداوند واجب کرده است بی نیاز می گشتند، بینوا و گرسنه و برهنه ای باقی نمی ماند مگر به واسطه کوتاهی ثروتمندان، شایسته است که خداوند تبارک و تعالی رحمت خود را از کسی که زکات نمی دهد، بگیرد.»

با توجه به مطالبی که گذشت جای هیچ عذر و بهانه ای نیست که از مسئولیت خودمان سرباز زده و در انجام آن کوتاهی کنیم. هر کس به اندازه توان خود نقش آفرین می باشد و باید دست به دست هم دهیم و نهادهای مدنی را در امور متفاوتی همچون فرهنگ و آموزش و امور اجتماعی و تبلیغی و کمک رسانی و سازندگی، و تمام زمینه های مورد نیاز دیگر، تاسیس نموده و از خداوند متعال در این راه کمک بخواهیم تا ما را در انجام وظایف و مسئولیتمان یاری دهد و با عنایات الهی امور خودمان را از این طریق سامان ببخشد.

۲-۶- مرجعیت دینی و تاسیس نهادهای مدنی با رویکردی اسلامی

رهبران مذهبی و به طور خاصی مرجعیت دینی در یک جامعه می توانند نقشی اساسی در حل مشکلات و معضلات اجتماعی و تلاش برای به تکامل رساندن اجتماع از طریق برساختن نهادهای مدنی با رویکردی اسلامی ایفا نمایند.

ایشان می توانند نقش سازنده ای در ایجاد چنان فرصت هایی برای شریک سازی همه اقشار جامعه در سرنوشت کشور، و نیز بسیج استعداد های افراد جامعه برای تعالی بخشی به امور اجتماعی خود (همچون ایجاد کار و اشتغال، حمایت از مصالح ملت، راهبری نیرو و پتانسیل جوانان جامعه و در نهایت سامان بخشی به مقدرات کشور) ایفا نمایند. در این صورت است که می توان با عزم و اراده جمعی افراد جامعه و همراهی نخبگان، به اهداف والای اسلامی و آرمان های دینی دست یافت.

^{۴۸} محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، ص ۷.

۱-۲-۶- ویژگی های رهبری دینی در ساحت سیاسی-اجتماعی

بسیار روشن است که منصب رهبری سیاسی هر جامعه انسانی، نیازمند پیش شرط های خاصی است که عموماً از ظرفیت وجودی عموم افراد جامعه خارج است. طبیعی است که رهبری و مرجعیت دینی آن گاه می تواند نقشی اساسی در فرایندهای اجتماعی و از جمله توجه به تاسیس نهادهای مدنی داشته باشد که از ویژگی های شخصیتی خاصی برخوردار باشد.

در ذیل به اهم این مولفه های شخصیتی اشاره می شود:

۱- داشتن تخصص و آگاهی های لازم و آشنایی به شرایط و مقتضیات زمان و مکان برای اداره امور جامعه

از جمله مهم ترین شرایط لازم و ضروری برای رهبر دینی جامعه اسلامی، داشتن تخصص و آگاهی های لازم و آشنایی به شرایط و مقتضیات زمان و مکان برای اداره امور جامعه می باشد. رهبر جامعه در صورتی که به امور موضوعی حیاتی و ضروری برای اداره جامعه، آگاهی و اشراف کامل نداشته باشد می بایست از نظر کارشناسان و اهل فن در اداره جامعه بهره ببرد.

اما برآستی چه کسی شرایط و شایستگی رهبری جامعه را دارا بوده و با چه مکانیزمی به رهبری جامعه دینی می رسد؟ در جواب این پرسش ها باید گفت که بهترین راه حل این است که علمای دین مجموعه ای از نخبگان جامعه را برای کشف و تشخیص فردی که شرایط رهبری و مرجعیت جامعه را داشته باشد تشکیل داده و بعد از یافتن فرد صالح و شایسته، او را برای رهبری و مرجعیت تعیین و معرفی کنند. پس از آن ایشان می بایست مردم را به سوی او دعوت کنند تا با اطاعت از فرامین او در امور شرعی و اجتماعی و اداری، بتوان حرکت جامعه را بسوی اهداف از پیش تعیین شده هدایت کرد و به سر منزل مقصود رساند.

باید دانست که حرکتی را که انبیاء و پیامبران (ع) و ائمه (ع) برای اداره امور جامعه شروع کردند بوسیله مرجعیت فقهاء ادامه پیدا خواهد کرد و فقیه همان اهداف انبیاء را دنبال خواهد نمود.

^{۴۹} در کتاب «دور الائمة فی الحیاة الاسلامیة» دهها مصداق را، از باب مورد و مثال از نقش ائمه (ع) در اداره امور جامعه اسلامی ذکر شده است که می تواند مویدی برای این دیدگاه باشند. همچنین با مطالعه و تحقیق در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) به نتایجی در مورد ویژگی های روحی و روانی و نیز خصوصیات اخلاقی رهبر اسلامی دست یافته ایم که در

۲- جامع نگری

اعتقاد و باور بر این است که دین اسلام تمام شئون زندگی انسان را پوشش می دهد و می توان با ارجاع مسائل جزئی و امور جدید به نصوص شرعی و اصول و قواعد عام، احکام آن ها را استنباط و استخراج نمود. مراد از جامع نگری ضروری برای یک رهبر دینی آن است که دین اسلام این نقش را برای فقیه تعیین نموده است و مسئولیت ارجاع مسائل و موضوعات جزئی مرتبط با حوزه های رفتاری مکلفان و حکومت به اصول کلی و قواعد عام فقهی را بر عهده فقیه قرار داده است. از این جهت می بایست فقیه تمام امور و شئون زندگی را مورد توجه و نظر قرار داده و احکام و تکالیفی که بتواند جوابگوی نیازهای امروزین حیات بشری باشد را صادر کرده و از رهگذر آن مشکلات فردی و اجتماعی را علاج کند.^{۵۰}

۳- اصول گرایی و اصول مداری

مرجعیت دینی پایبند اصول انسانی و اخلاقی است و به دیدگاه ماکیاولیستی که در آن وسیله هدف را توجیه می کند، ایمان و باور ندارد. فقها و زعمای دینی برای رسیدن به اهداف -هر چند اهداف عالی- از اصول و قواعد تجاوز نمی کنند و به خاطر هدف، اخلاق را زیر پا نمی نهند. ایشان همواره در رفتار و کردار خود، باور سیاستمداران ماکیاولیستی را که معتقدند «هیچ گونه دوستی و دشمنی ثابت و استواری

کتاب «الاسوة الحسنة للقادة و المصلحين» به تفصیل از آن سخن به میان آمده است.

نیز در رساله عملیه بنام «سبل السلام» که به بیان احکام و تکالیف در امور عبادی و بندگی مکلفان همچون طهارت و نماز و روزه، و نیز امور اجتماعی همچون ازدواج و خرید و فروش و در نهایت به امور عام، همچون قضاوت و حل و فصل خصومات که در زندگی روزمره اجتماعی ایجاد می شوند پرداخته شده است. در مقدمه این کتاب به صورت مختصر و با تعیین خطوط کلی، به نقش مرجعیت دینی در زندگی اجتماعی و اداره جامعه اشاره نموده ایم. تمام این مسائل به شکل دقیق از قواعد و اصول صحیح و از منابع معتبر اسلامی استنباط و استخراج شده اند. در این کتاب ادعا شده است که دین مبین اسلام داعیه دار اداره جامعه و رسیدگی به تمام شئون زندگی انسان ها در تمام مکان ها و زمان ها است و تمامی خلاءهای احتمالی در حیات اجتماعی و سیاسی بشر را پوشش داده است. همچنین در کتاب یادشده ذکر شده است که وظیفه فقیه و مرجعیت دینی در فتوا و بیان احکام شرعی خلاصه نمی شود بلکه دو وظیفه قضاوت و حل و فصل خصومات بین افراد و اداره و سرپرستی امور جامعه را نیز عهده دار می باشد.

^{۵۰} با توجه به این مسئولیت، آیت الله العظمی یعقوبی، در مشکلات و بحران های جهانی همچون مبارزه با بیماری ایدز و نیز مقابله با مصرف دخانیات اعلام موضع کرده و راه حل های مناسب با این معضلات را مورد اشاره قرار داده است.

وجود ندارد و دوستی و دشمنی دائر مدار مصالح و منافع هست و آن چه که اصل و حقیقت می باشد مصلحت است که اصلی ثابت و استوار می باشد» مردود و مخدوش دانسته اند. در حقیقت باید گفت که اصول و موازین ثابتی وجود دارد که نمی توان آن ها را زیر پا نهاد و فدای مصالح کرد. چه آن که به باور ما، اساسا اخلاق و موضوعات اخلاقی نه یک موضوع نسبی که یک حقیقت مطلق به شمار می آیند.

۴- شفافیت و صداقت در تعامل

از دیگر اصول و قواعد بسیار مهم در راهبری جامعه دینی، می توان به اصل شفافیت و صداقت رهبری و مرجعیت در تعامل با مردم اشاره کرد. از آنجا که مرجعیت شیعه از پایگاه و جایگاه مهم و با ارزشی در جامعه برخوردار است، لذا ایشان می بایست در تعامل با مردم همواره اصل شفافیت و صداقت را رعایت کرده و مورد عنایت قرار دهند. تجارب تاریخی نیز نشانگر آن است که مرجعیت شیعه در تعامل خود با مردمان و مقلدان دینی خود همواره التزام قوی و عملی خود به این اصل را اثبات کرده و از هرگونه فریب و نیرنگی با مردم پرهیز داشته اند.

۵- عزم جدی در اصلاح امور

عزم جدی در اصلاح امور اجتماعی از طریق تاسیس ساختار اجتماعی متمدن و دفاع از حکومت مشروع و سازمان های مربوطه آن -که نظام اجتماعی را شکل می دهند- از مهم ترین ویژگی های ضروری برای یک رهبر دینی و مرجع مذهبی است. ما بر این باور هستیم که در سایه دین و رسالتی که از جانب خداوند برای بشر فرستاده شده، می توان جامعه ای پیشرفته و متمدن را تاسیس نمود که تمام شئون حیات بشری را مورد پوشش قرار داده و سعادت دنیوی و اخروی بشر را نتیجه دهد.

هرچند دین و فرامین آن به مثابه اصل اساسی در پیمودن راه کمال فردی و اجتماعی است با این حال، مرجعیت شیعه در شرایط خاص و ویژه و از باب اضطرار و با هدف حفظ نظام و ساختار اجتماعی و سیاسی، می تواند مصالح نظام اسلامی را در نظر گرفته و به احکام ثانوی عمل نموده و ظواهر برخی از احکام را نقض نماید.^{۵۱}

۶- برخورداری از سعه صدر و روحیه اقناع سازی

برخورداری رهبر دینی و مرجعیت دینی از روحیه سعه صدر و تساهل صحیح در خصوص دیگران از جمله ویژگی های ضروری و حیاتی برای رهبری جامعه دینی است. چه آن که اساسا سعه صدر به انسان نوعی بلندپذری عنایت می کند که خود لازمه زعامت سیاسی جامعه است. به عنوان نمونه حضرت

^{۵۱} برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک: کتاب سبل السلام، جلد اول، مسأله ۲۹.

امیرالمومنین علی (ع) در این خصوص می فرمایند: «آلة الرئاسة سعة الصدر. سعه صدر، ابزار رهبری و ریاست است.»

اهمیت سعه صدر و تساهل ورزی برای رهبر سیاسی و اجتماعی تا بدانجاست که حتی به خلق نیکو در تعامل با دشمنان نیز تاکید شده است: به عنوان نمونه آیه ۳۴ سوره فصلت در این خصوص می فرماید: « ادفع بالتي هي أحسن فإذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم » [بدی دیگران را] به شیوه ای که نیکوتر است دور کن که [اگر چنین کنی] آنگاه آن که میان تو و او دشمنی است همچون دوستی نزدیک و مهربان گردد. ۵۲

در این میان اصل اقناع سازی و تلاش برای اقناع مردم به شیوه رهبری دینی و ارزش های مذهبی جامعه و پرهیز از تحمیل هنجارهای دینی تا بدانجاست که امکان گفتگوی آزاد با هدف جلب اعتماد و اقناع یکی از راهکارهای قرآنی برای مدیریت جامعه می باشد. در آیه ۲۵۵ سوره بقره در این خصوص آمده است که « لا اكراه في الدين » ۵۳.

۷- نگاه جهانی و غیرمتعصبانه

از آنجا که دین مبین اسلام دینی جهانی بوده و برای تمام بشریت نازل شده و ناظر به هدایت تمام انسان ها است، لذا خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را به مثابه رحمتی برای عالمیان مورد خطاب قرار می دهد: « و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين » ۵۴. آیه ای که به نوبه خود نشان دهنده ماهیت جهان شمولانه این دین بزرگ به شمار می آید.

نیز امام علی (ع) در نامه مشهور خویش به مالک اشتر -زمانی که او را به ولایت مصر منصوب کرد- و در اهمیت و ضرورت تعامل صحیح و عطوفانه با همه فرقه ها و نحله های دینی می فرماید: « و أشعر قلبك الرحمة للرعية فإنهم صنفان، أما لك في الدين أو نظير لك في الخلق. مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند. » ۵۵

در این صنف از آیات و روایات نحوه تعامل با جهان و نوع نگاه به دیگر ادیان و مذاهب و حقیقت انسانی بیان گردیده و پیشوای دینی و رهبر سیاسی جامعه مسلمین به ضرورت التزام و پایبندی به آن ها توصیه شده است.

۵۲ سوره فصلت، آیه: ۳۴.

۵۳ برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک: کتاب سبل السلام، جلد اول، مسأله ۳۰ و ۳۱.

۵۴ سوره انبیاء، آیه: ۱۰۷.

۵۵ نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳-۶- نقش نهادهای مدنی در زنده نگه داشتن امت اسلامی

پس از آن که از نقش رهبران دینی و مرجعیت در احیاء و بازآفرینی و تاسیس نهادهای مدنی و مساعدت در خصوص بهبود عملکرد ایشان سخن به میان آمد، اینک از نقش نهادهای مدنی در احیای اسلام و ارزش های دینی به اختصار سخن به میان خواهد آمد.

حقیقت آن است که اصناف و اتحادیه ها می توانند نقش بسزایی در زندگی اجتماعی ایفا نموده، مسیر حرکت اجتماعی را سامان بخشیده و به آن ها جهت دهند. این نهادها همچنین می توانند چشم اندازها مورد نیاز برای حرکت جامعه به سوی تعالی را معین نموده و در همان راستا سرعت ببخشند.

تجربه و سابقه ی راه اندازی تشکل های مدنی در برخی از کشورها، از قبیل اتحادیه مهندسان، وکلا، کارگران، کارگزاران فرهنگی، اقتصادی، امور اجتماعی و... نشانگر نقش فعال و تاثیر گذار آن ها و نیز آثار مثبت فراوان آن ها برای جامعه است.

از بیان فوق می توان نتیجه گرفت که کشورهای فاقد ساختارهای مدنی، در استیفای بسیاری از اهداف جامعه عقیم بوده و بخش های مهمی از حیات اجتماعی دستخوش طوفان های متلاطم و بحران های سهمگین اخلاقی و ارزشی است.

به عنوان نمونه در برخی از کشورها که حکام مستبد و دیکتاتور به هیچ جریان و حزب و صنفی اجازه اظهار نظر و یا گفتگو و یا انتقاد به ساختار را نمی دهند و صدایی غیر از صدای حاکمیت خود را بر نمی تابند و آن را در نطفه خاموش می کنند، می توان چنان وضعیتی را رصد کرده و مشاهده نمود.^{۵۶}

^{۵۶} همانند دیکتاتوری صدام که همه اتحادیه ها و اصناف را مجبور به همراهی و همصدایی با خود می کرد و تنها به نهادها و تشکل های همسو و منفعل «مانند اتحادیه کارگران و اتحادیه زنان» اجازه ظهور و بروز می داد.

پس از سقوط دیکتاتوری عراق، اتحادیه ها و اصناف همچنان بر همان حالت سابق ماندند، و شور و نشاط لازم را نداشته و در نتیجه به موسساتی مهمل و بدون فایده تبدیل شده اند. با این حال مساله مهم آن است که موسسات مدنی باید هویت خود را بار دیگر بدست آورده، آن چه را که به آنها محول و سپرده شده را به دوش گیرند، تجدید حیات دیگری بیابند و جامعه را با فعالیت و نشاط دوباره به سمت و سوی پیشرفت و ترقی سوق دهند و آثار مثبت خود را به فضای هویتی جامعه تزریق نمایند.

در مورد اینکه کیفیت کار و فعالیت این نهادها باید به چه شکل باشد باید گفت هر نهادی با توجه به تخصص و اهداف و سیاست های متخذه خود، می بایست زیر نظر وزارت مربوطه قرار گرفته و در همسویی با یکدیگر و با هماهنگی های لازم به مشکلات جامعه سروسامان دهند. به عنوان نمونه اتحادیه پزشکان با وزارت بهداشت، اتحادیه مهندسان کشاورزی با وزارت کشاورزی باشند. همچنین می توان همه نهادهای یادشده را تحت اشراف یک سازمان برتر طبقه بندی نمود. سازمانی که فعالیت و برنامه های نهادهای یادشده را مدیریت نموده و از موازی کاری و بی برنامهگی جلوگیری به عمل می آورد. مهم آن است که نهادهای مدنی با وظایف محوله آشنایی، به مسئولیت خود رسیدگی، و وضع نابسامان کشور را با نشاط و همکاری و همیاری به مرحله مطلوب برسانند.

فصل سوم: تامین مالی و اقتصادی نهادهای مدنی

به طور طبیعی حیات تمامی بازیگران اجتماعی و از جمله نهادهای مدنی وابستگی زیادی به هزینه های مالی دارد که این نهادها برای استمرار حیات خویش بدان نیازمند هستند. روشن است که بدون برخورداری از منابع مالی حداقلی، امکان کنشگری پربار و موفقیت آمیز برای هیچ نهاد مدنی فراهم نخواهد بود.

با این حال و به صورت مقدماتی می بایست در درجه اول به جایگاه کار و فعالیت های درآمدزا در منظومه معارف دینی و نیز سقف فعالیت، حوزه ها و زمینه های مقبول، مطلوب و اولویت دار فعالیت اقتصادی از نقطه نظر شرع مقدس اشاره نموده و هر یک را به تفصیل مورد بررسی و تدقیق قرار داد.

۱- کسب و کار در اسلام

مفهوم کار و کسب و جایگاه آن در میان آموزه های دینی و در اذهان عموم به روشنی معلوم است چرا که از مفاهیم بدیهی است و آن را یکی از امور عبادی و بندگی خداوند متعال دانسته، که بوسیله آن می توان

برای خود و خانواده نیازهای زندگی را فراهم آورد و از دیگران بی نیاز شد، و نیز می توان از درآمدهای بدست آمده در راه خدا به نیازمندان و ایتم کمک کرد و برنامه های دینی و فرهنگی و خیری را راه اندازی کرد و بدین وسیله امر آخرت را سامان بخشید و رضای پروردگار را جلب کرد.

روایات متعددی در فضیلت کسب و کار در کتب حدیثی نقل شده است که در ذیل به یک نمونه مهم از آن ها اشاره می شود:

در کتاب شریف «وسائل الشیعه» روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که در آن حضرت می فرمایند: محمد بن منکدر (که یکی از دانشمندان اهل سنت است) می گفت: باور نداشتم علی بن الحسین (ع) فرزندی به یادگار گذارد که فضل و دانشش مانند خود او باشد تا اینکه پسرش محمد بن علی (ع) را دیدم، پس من خواستم او را موعظه کنم و اندرز دهم ولی او مرا موعظه کرد، اصحابش به او گفتند: به چه چیز تو را موعظه کرد؟ گفت: من در ساعتی که هوا بسیار گرم بود بسوی جایی از اطراف مدینه بیرون رفتم، و در راه به محمد بن علی برخوردیم - و او مردی تنومند و فربه بود - دیدم بر دوش دو غلام سیاه خود یا دو تن از غلامانش تکیه زده، من با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال برای به دست آوردن مال دنیا بیرون آمده! هم اکنون او را موعظه خواهم کرد؟ پس نزدیک رفته بر او سلام کردم، و او هم چنان نفس زنان و عرق ریزان جواب سلام مرا داد، بدو گفتم: خدا کارت را اصلاح کند بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال برای طلب دنیا بیرون آمده، اگر اکنون مرگ تو در رسد و در این حال باشی چه خواهی کرد؟ آن جناب [امام باقر (ع)] دست از دوش آن دو غلام برداشته روی پا ایستاده فرمود: بخدا اگر مرگ من در این حال فرا رسد در حالتی نزد من آمده که در حال فرمانبرداری و طاعت خداوند هستم، چرا که بدین وسیله نیازمندی خود و خانواده ام را از تو و از مردم دور می سازم. و جز این نیست که من آن گاه از مرگ می ترسم که بر من درآید و من در حال نافرمانی و معصیتی از معصیت های پروردگار بوده باشم. گوید: من که این پاسخ را از او شنیدم؛ گفتم: خدا تو را رحمت کند من می خواستم تو را موعظه کنم، اما شما مرا موعظه کردی.

^{۵۷} محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۰. (باب استحباب طلب الرزق و وجوبه مع الضرورة ح ۱):
مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْقُضَلِيِّ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْمُثَنِّدِ كَانَ يَقُولُ مَا كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (ع) يَدْعُ خَلْفًا أَفْضَلَ مِنْهُ حَتَّى رَأَيْتُ ابْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعْظُمَهُ فَوَعظَنِي فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ بِأَيِّ شَيْءٍ وَعَظَكَ فَقَالَ خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاجِي الْمَدِينَةِ فِي سَاعَةِ حَارَّةٍ فَلَقِيَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) وَ كَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا وَ هُوَ مُتَكَبِّرٌ عَلَى غَلَامِينَ أَسْوَدِينَ أَوْ مَوْلِيَيْنِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي

۱-۱- تجارت و مشاغل آزاد: به مثابه بهترین راه کسب درآمد

پس از ذکر اهمیت کسب و کار در اسلام، سخن از این به میان می آید که برآستی در منظومه روایی اسلامی و در هندسه فکر اقتصادی دینی اساسا چه راه ها و روش هایی برای کسب و کار حلال مورد اشاره قرار گرفته و کدام یک از مطلوبیت برخوردار هستند. در نتیجه در این بخش سعی شده است با مراجعه به روایات و احادیث موجود در کتب حدیث، موضوع کسب و کار و تجارت از نگاه اولیای دین (ع) مورد بررسی قرار گرفته تا بتوان بهترین کارها را برای ارتزاق و امرار معاش در حیات انسانی را شناخته و مورد عمل قرار دهیم.

حقیقت آن است که با مراجعه به روایات ائمه معصوم (ع) و استقراء -هر چند ناقص- این گنجینه گران بها به طیفی از مشاغل و حرفه های حلال و مشروع برمی خوریم که اتخاذ هر یک از آن ها برای مومنین می تواند صحیح باشد. در این میان با رصد مجموع روایات موجود در این زمینه می توان مدعی شد که نسبت به دیگر مشاغل حلال و مشروع، بر حرفه تجارت بیشتر تاکید شده است.

به عنوان نمونه در روایتی از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که «تسعة اعشار الرزق فی التجارة. نه دهم روزیها و ارزاق در تجارت است.» همچنین در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «التجارة تزيد فی العقل. تجارت عقل را بیشتر می کند (می پروراند)» چه آن که تاجر در طول فعالیت های خود تجربه و تخصص پیدا کرده و با تعامل با دیگران و درگیر شدن پخته می شود و در نتیجه راه و روش برخورد و تعامل را می آموزد و صفات و ویژگی های دیگر افراد را می شناسد.

در روایت صحیحی از امام صادق (ع) تجارت به عنوان عزت و اقتدار شخص یاد شده است. نیز نقل شده است که امام (ع) به یکی از غلامانش فرمود: «یا عبدالله احفظ عزک، قال: و ما عزی جعلت فداک؟ قال ع: غدوک الی سوقک و اکرامک نفسک. ای بنده ی خدا! عزت خود را حفظ کن. پرسید:

سُبْحَانَ اللَّهِ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاخِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَيَّ مِثْلُ هَذِهِ الْحَالَةِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَمَا لِأَعْظَنَّهُ فَذَنُوتُ مِنْهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ بِنَهْرٍ وَ هُوَ يَتَصَابُ عَرَقًا فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاخِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَ أَنْتَ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ فَقَالَ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَ أَنَا فِي طَاعَةٍ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَ عِيَالِي عَنْكَ وَ عَنِ النَّاسِ وَ إِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ لَوْ أَنَّ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَيَّ مَعْصِيَةٍ مِنْ مَعْاصِي اللَّهِ فَقُلْتُ صَدَقْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَرَدْتُ أَنْ أَعْظَمَكَ فَوَعَّظْتَنِي.

^{۵۸} همان. ص ۱۰ (کتاب التجارة باب ۱ ح ۳).

^{۵۹} همان. ص ۱۲ (کتاب التجارة باب ۱ ح ۹).

فدايت شوم، چه چيز عزت من است؟ فرمود: به بازار رفتن در بامداد و خود را عزيز داشتن.^{۶۰}

در کنار روايات مشوق تجارت، روايات ديگري نيز وجود دارند كه از ترك تجارت و منزوي شدن تجارت در اقتصاد جامعه، برحذر كرده اند. در حديثي صحيح فضيل ابن يسار مي گويد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِيَّيْ قَدْ كَفَفْتُ عَنِ التِّجَارَةِ وَ أَمْسَكْتُ عَنْهَا قَالَ وَ لِمَ ذَلِكَ أَعْجَزُ بِكَ كَذَلِكَ تَذَهَبُ أَمْوَالُكُمْ لَا تَكْفُوا عَنِ التِّجَارَةِ وَ التَّمَسُّوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. مي گويد: به امام صادق (ع) عرض كردم، من از كار دست كشيدم و آن را ترك كردم. امام (ع) فرمودند: چرا؟ آيا از كار ناتوان و عاجز شدي؟ از كار دست نكشيد زيرا باعث تهی دستي شما مي شود و (با كار و تجارت) فضل و بخشش خداوند را بطلبيد.^{۶۱}

نيز در روايت ديگري حضرتشان در مورد شخصي كه تجارت را رها كرده بود فرمودند: « أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمْتُ عَيْرٌ مِنَ الشَّامِ - فَاشْتَرَى مِنْهَا وَ اتَّجَرَ فَرِيخَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ. مگر نمي داند كه كارواني از شام آمد و پيامبر (ص) از آن كالا خريد و با آن ها تجارت كرد و سودي برد كه با آن وام خود را پرداخت كرد.^{۶۲}

با مراجعه به تاريخ درمي يابيم كه برخي از اصحاب و پيروان خاص امامان معصوم (ع) از دارايي فراواني برخوردار بوده و به كارهاي تجاري و اقتصادي اشتغال داشته اند. جالب آن كه حتي عده اي از آن ها داراي شركت هاي -به اصطلاح امروزه- سهامی داشتند. از جمله مي توان به برید عجلي اشاره كرد كه از پيروان خاص امام باقر و امام صادق (ع) بود. وی از طريق باجناب خود محمد ابن مسلم (از فقهای طراز اول، و از شاگردان بارز امام باقر و امام صادق (ع) بود) و طی نامه ای كه حاوی پرسش های فقهی در مورد شركت تاسيس شده خود بود، از امام صادق (ع) در خصوص منحل ساختن شركت استفتاء نمود كه حضرتشان وی را از اين مساله منع فرمودند.^{۶۳}

^{۶۰} همان. ص ۱۳ (كتاب التجارة باب ۱ ح ۱۳).

^{۶۱} همان. ص ۱۶ (كتاب التجارة باب ۲ ح ۰۸).

^{۶۲} همان. ص ۱۷ (كتاب التجارة باب ۲ ح ۱۰).

سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَوْمًا وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بَيْعِ الْكَرَابِيسِ فَقِيلَ تَرَكَ التِّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مَنْ تَرَكَ التِّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثَا عَقْلِهِ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمْتُ عَيْرٌ مِنَ الشَّامِ - فَاشْتَرَى مِنْهَا وَ اتَّجَرَ فَرِيخَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ.

^{۶۳} همان. ص ۱۶ (كتاب التجارة باب ۲ ح ۰۹).

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ كَانَ خَتَنَ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ بُرَيْدٌ لِمُحَمَّدٍ سَلْ لِي أبا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ شَيْءٍ أُرِيدُ أَنْ أَصْنَعَهُ إِنَّ لِلنَّاسِ فِي يَدِي وَ ذَائِعٍ وَ أَمْوَالًا وَ أَنَا أَتَقَلَّبُ فِيهَا وَ قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَتَخَلَّى مِنَ الدُّنْيَا وَ أَدْفَعُ إِلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ قَالَ فَسَأَلَ مُحَمَّدٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ ذَلِكَ وَ خَبَّرَهُ بِالْقِصَّةِ وَ قَالَ مَا تَرَى لَهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَيْبَدًا نَفْسُهُ بِالْحَرْبِ لَا وَ لَكِنْ يَأْخُذُ وَ يُعْطِي عَلَى اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ.

همچنین شواهد تاریخی مرتبط با سیره معصومین (ع) نیز به نوبه خود موید اهمیت کار و تجارت و کسب ثروت برای اداره امور زندگی و اجتماعی نزد امامان معصوم (ع) باشد.

به عنوان نمونه می توان یکی از دلایل انحراف برخی از وکلای امام موسی کاظم (ع) بعد از شهادت ایشان را اموال هنگفتی ذکر کرد که از امام (ع) در اختیار داشتند و از ترس آن که مبادا اموالی که در اختیار داشتند را از دست بدهند بر امامت امام موسی کاظم (ع) توقف کرده و امامت امام رضا (ع) را قبول نکردند و لذا به واقفیه مشهور شدند. از این افراد می توان به زیاد ابن مروان قندی اشاره کرد که هفتاد هزار دینار در اختیار داشت و نیز علی ابن ابی حمزه که سی هزار دینار از اموال امام (ع) را نزد خود داشت.

نیز می توان به چاپلوسی و طمع علی ابن اسماعیل برادرزاده امام موسی کاظم (ع) اشاره کرد که اخبار در مورد دارایی های هنگفت و بسیار امام موسی کاظم (ع) را به نزد هارون الرشید می برد و وی را از میزان دارایی ها و ثروت حضرت با خبر می ساخت.^{۶۴}

روایات تاریخی فوق به خوبی موید عدم ثروت ستیزی در اسلام و تاکید بر اهمیت نقش ثروت و اموال در پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی و همزمان نشان از اهتمام شخصی ائمه معصومین (ع) بر تجارت و داد و ستد داشته است. از دید ایشان تجارت به مثابه بهترین وسیله و روش برای درآمد افزایی به پیروان خود توصیه می شده تا بتوان از طریق آن، به تامین نیازهای حیات دنیوی و از خلال آن فراهم ساختن بسترهای لازم برای کمال معنوی و سعادت اخروی را پی جست.

۲-۱- روش امامان شیعه (ع) در کسب درآمد

با مطالعه در تاریخ زندگی و سیره اهل بیت (ع) به این نکته می رسیم که در برهه هایی از حیات مبارک ایشان اموالی زیر نظر آن بزرگواران وجود دارد که در شکل های مختلف و در راه های متفاوتی در آن ها تصرف می فرمودند. مساله اینجاست که نمی توان به قطع و یقین مدعی شد که دارایی های یادشده از حقوق شرعی، وجوهات و امثال آن بدست آمده است. در مقابل با استناد به برخی از قرائن و شواهد تاریخی می توان ادعا نمود که بخش مهمی از این اموال از راه هایی چون تجارت و داد و ستد مستقیم این حضرات (ع) یا غیر مستقیم (بوسیله پیروان و اصحاب) به دست آمده بود.

^{۶۴} محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۷۲. فَقَالَ لَهُ عِنْدِي الْخَبِيرُ وَ سَعَى بَعْمَهُ فَكَانَ مِنْ سَعَايَتِهِ أَنْ قَالَ مِنْ كَثْرَةِ الْمَالِ عِنْدَهُ أَنَّهُ اشْتَرَى ضَيْعَةً تُسَمَّى الْبَشْرِيَّةَ بِثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فَلَمَّا أَحْضَرَ الْمَالَ قَالَ الْبَائِعُ لَا أُرِيدُ هَذَا النَّقْدَ أُرِيدُ كَذَا وَ كَذَا فَأَمَرَ بِهَا فَضُبَّتْ فِي بَيْتِ مَالِهِ وَ أُخْرِجَ مِنْهُ ثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ مِنْ ذَلِكَ النَّقْدِ وَ وَزَنَهُ فِي ثَمَنِ الضَّيْعَةِ.

از جمله شواهد و قرائن یادشده می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- در کتب روایی شیعه مجموعه روایاتی وجود دارند که این معنا را می رسانند که ائمه (ع) تا زمان حضرت امام جواد (ع) به خاطر وجود فضای خفقان، جو ناامن، بازرسی های مداوم از سوی حکومت های ظالم، از دریافت وجوهات شرعی امتناع می کردند. به عنوان مثال در برخی از اخبار در شرح حال امام موسی کاظم (ع) و خاندان ابوطالب آمده است که دوران سخت و طاقت فرسایی را در دوران حکومت هارون الرشید و برخی از حکام بنی العباس را گذراندند. امام موسی کاظم (ع) در یکی از ملاقات های اجباری خود با هارون، مجبور به پاسخگویی به وی در خصوص اموالی شدنی که از سوی برخی از شیعیان برای آن حضرت (ع) آورده می شد.^{۱۰} این سند تاریخی موید این مطلب است که امامان شیعه (ع) دارای اموال هنگفتی بودند که حکومت های طاغوتی وقت را به شدت نگران و آشفته ساخته و آن را به مثابه یک تهدید برای موجودیت خود تلقی می کردند.

۲- ثروت امام موسی کاظم (ع) از دیگر قرائن در اثبات مدعای فوق به شمار می آید. واقعیت آن است که ایشان زمان زیادی از دوران امامت خود را (حدود چهارده سال) در حبس و زندان هارون الرشید گذراند و هیچ گونه امکان ارتباط با دیگران و دریافت حقوق شرعی را نداشته اند. لذا چنان ثروتی می بایست از طرق دیگری برای ایشان تحصیل شده باشد.

۳- وجود اخباری که می فرماید امام (ع) دارای اموالی است که نزد برخی از اصحاب - که از آن ها به عنوان «قوأم» بمعنای قائم و مأمور به حفظ و بکارگیری و درآمدزایی از آن ها یاد می شود- نگهداری می شود.

با ذکر این مقدمات می توان بر این مدعا پای فشرد که این اموال و دارایی ها صرفاً نمی تواند از طریق حقوق و وجوهات شرعی بدست آمده باشد. بلکه با تکیه بر برخی از اخبار و شواهد تاریخی می توان ادعا کرد که ثروت یادشده حاصل کار و تلاش در یک بنگاه اقتصادی بزرگ بوده است که یا توسط شخص امام (ع) و یا با بکارگیری اصحاب و یاران مورد اعتماد راه اندازی و مدیریت می شده است. به طور طبیعی این نهادها، در آمدهای کلانی را بدست می آوردند و دارایی های بدست آمده را در راستای اداره جامعه وقت شیعه و یاران، اصحاب و خاندان خود بکار می گرفتند. روشن است که با اخذ انحصاری هدایا و وجوهات شرعی امکان آن حفظ و مصون سازی جامعه شیعه از گزند خطرات و تهدیدات حکومت های طاغوت و ظالم عصر امکان پذیر نمی بود.

^{۱۰} محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۲.

۳-۱- انفاق عنصر زمینه ساز فعالیت نهادهای مدنی

یکی از مهم ترین و بهترین عناصر زمینه ساز برای فعالیت نهادهای مدنی و تامین منابع مادی فعالیت ایشان همانا مساله انفاق است. روشن است که رفع نیازهای مالی نهادهای مدنی از راه های مختلفی امکان پذیر است که انفاق یکی از آن راه هاست. در ذیل تلاش می شود مقوله انفاق مورد بررسی و تدقیق جدی قرار گیرد.

۱-۳-۱- معنای انفاق

روشن است که بندگان خداوند از حیث برخورداری از مواهب الهی و ثروت های مالی از وضعیت مشابهی برخوردار نمی باشند. برخی از ایشان توانایی انفاق ندارند و بلکه خود نیازمند کمک دیگران هستند. عده دیگری اما از توانایی انفاق اندکی برخوردار و بخشی از مردم جامعه نیز به دلیل سطح بالای برخورداری از ثروت های مادی، از توان بالایی در انفاق گری برخوردارند.

در نتیجه تلاش برای واسطه گری میان قشر فقیر جامعه و قشر ثروتمند انفاق کننده می تواند ثواب و اجری معادل شخص انفاق گر را نصیب شخص واسطه کند. در نتیجه این گونه نیست که فقط کسانی که قسمتی از اموالشان را به دیگران بدهند منفق به شمار آیند، بلکه حتی کسانی که واسطه بین تهی دست و منفق هستند را نیز می توان انفاق کننده قلمداد کرد.

ممکن است سوالی در این خصوص مطرح شود و آن اینکه چگونه ممکن است که خداوند تبارک و تعالی اجر و پاداش سکسانی برای واسطه اناق و فرد منفق - که برای بدست آوردن این مال تلاش و کوشش سخت و فراوانی را متحمل شده در نظر گیرد؟

به این شبهه می توان به چند صورت پاسخ داد:

۱- خداوند متعال از آنجایی که کریم و لطیف است، از باب لطف و کرم بی پایان خویش می بخشد به طوری که در اجر و پاداش انفاق کننده هیچ کم و کاستی صورت نگیرد.

۲- مساوی بودن آن ها در پاداش و اجر از جهت اصل پاداش بردن است نه در مقدار آن، و انفاق کننده اجر خاص و ویژه خودش را به عنوان منفق خواهد داشت و طبق آیه شریفه فوق الذکر، اجر مضاعفی را بدست می آورد.

۳- انفاق کننده علاوه بر پاداش خویش، از اجر و ثواب واسطه ها نیز برخوردار می شود. چرا که این انفاق گر است زمینه این کار پسندیده را فراهم آورده است. از این رو وی مصداق این آیه شریفه است که می فرماید: «من سن سنة حسنة کان له اجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیامة». برای هر کس که سنت پسندیده ای را

پایه گذاری و تاسیس کرد همانند اجر و پاداش آن و هر کس که بدان عمل کند را به او می دهند، می باشد.»^{۶۶}

۴- روایاتی وجود دارد که به صراحت بر مساوات انفاق گر و واسطه اشعار دارد. به عنوان نمونه حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «من مشی بصدقة الی محتاج کان له کاجر صاحبها، من غیر ان ینقص من اجره شیء. هرکس صدقه ای را به فقیری برساند همانند اجر و پاداش پرداخت کننده آن بدون آن که از اجر او کاسته شود به او داده می شود.»^{۶۷}

نیز در روایتی دیگر در همین خصوص نقل شده است که «لو ان الصدقة جرت علی یدی سبعین الف انسان کان اجر آخرهم مثل اجر اولهم. اگر صدقه ای دست بدست شود و هفتاد هزار هزار دست را بپیماید پاداش و اجر آخرین دست مانند اولین دست می باشد.»^{۶۸}

با توجه به آیات کریمه قرآن و احادیث شریف اهل بیت (ع) در باب صدقه و انفاق در راه خداوند، هر انسان متشرع و دینداری به خوبی به اهمیت این مساله اشراف دارد. در نتیجه از پرداختن بیشتر به مقوله اجر و پاداش انفاق بسنده نموده و به ذکر و یادآوری دو آیه بسنده می نمایم:

۱- مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مئة حبة و الله یضاعف لمن یشاء. مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مثل دانه ای است، که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای صد دانه باشد خدا پاداش هر که را که بخواهد، چند برابر می کند.^{۶۹}

۲- و سارعوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقین. الذین ینفقون فی السراء و الضراء. بر یکدیگر پیشی گیرید برای آمرزش پروردگار خویش و رسیدن به آن بهشت که، پهنایش به قدر همه آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران

^{۶۶} عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْجِهَادِ سُنَّةٌ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ الْجِهَادُ ... وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْءٌ.

^{۶۷} «عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ - عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ وَ قَالَ إِنَّهُ يُورَثُ الْفَقْرَ وَ... وَ مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ بِوِزْنِ كُلِّ دِرْهَمٍ مِثْلُ جَبَلٍ أُحُدٍ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ مَشَى بِصَدَقَةٍ إِلَى مُحْتَاجٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ صَاحِبِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ...»

^{۶۸} محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰۵۸۸، ح ۱۰۵۹۰.

^{۶۹} سوره بقره، آیه: ۲۶۱.

مهیا شده است. آن کسان که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند.^۷

۴-۱- فعال کردن بخش خصوصی : به مثابه بخشی از ماموریت نهادهای مدنی

جوامع امروزی در دنیای ما، از معضل بیکاری رنج برده و در مضیقه های شدیدی به سر می برند. بسیاری از افراد تحصیل کرده و دارای مدارک عالی تحصیلی و کارشناسی هستند، اما در عین حال فاقد شغل می باشند و همین مساله موجب رنج ایشان و جامعه می باشد. معضل یادشده برآمده از عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی است که بیان آن ها از حوصله گفتار جاری خارج است.

اگر چه وظیفه اشتغال زایی ذاتا یک کارویژه حکومتی بوده و دولت ها در این زمینه مسئولیت های انکارناپذیری دارند، با این حال روشن است که حکومت ها به تنهایی امکان جذب و استخدام همه افراد جامعه برای موسسات و سازمان های دولتی را نداشته و در این زمینه ناتوان هستند. طولانی بودن زمان اشتغال زایی در موارد متعدد و نیز هزینه های سنگین ایجاد شغل از مهم ترین دلایل ناتوانی دولت ها و یا ناکارآمدی ایشان در این عرصه است.

با این حال، بسیاری از افراد جامعه -که توانایی کار و اشتغال را دارند- دولت و بخش های دولتی را مسئول فراهم سازی زمینه های کار و اشتغال قلمداد می کنند و از دولت انتظار دارند برای ایشان شغلی مناسب در نظر گیرد.

محدودیت دولت و ضرورت کاهش حجم دولت و تقلیل مشاغل دولتی، ضرورت اصلاح فرهنگ غلط رایج در جوامع در خصوص گرایش به مشاغل دولتی و فعالیت در حرفه های دولتی و تشویق افراد برای فعالیت در بخش خصوصی و غیردولتی را صدچندان می نماید.

البته بخش خصوصی نیز مشکلات خاص خود را دارد و نباید گمان برد که خالی از مشکل و گرفتاری است. اما باید در این خصوص مطالعه و بررسی های لازم انجام شود تا بتوان مشکلات این بخش را شناسایی و در قدم بعد، رفع یا مهار کرد. همچنین باید کوشید تا افراد دارای استعداد برای وارد شدن در این عرصه را تشویق نموده و به ایشان اطمینان داد که در حوزه فعالیت های خصوصی با مشکلات جدی روبرو نخواهند شد و می توانند در این زمینه موفقیت هایی را کسب و آن را برای خود و جامعه به ارمغان آورند.

واقعیت آن است که با ایجاد زمینه های اشتغال در بخش خصوصی می توان آثار و ثمرات هنگفتی را به جامعه آورد. حضرت علی (ع) در بخشی از نامه معروف خود به مالک اشتر به بخش خصوصی اشاره فرموده و اهتمام خاص کارگزاران خود برای فعال سازی این بخش را طلب می نماید. حضرت بعد از ذکر طبقات جامعه، به بخش های دولتی و حکومتی همچون بخش های نظامی، اجرایی، قضایی و اداری اشاره کرده و خاطر نشان می کنند که

^۷ سوره آل عمران، آیه: ۱۳۳ و ۱۳۴.

این طبقات از جامعه (نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام (هیأت وزیران و معاونان) کارمندان، بازرگانان، صاحبان صنعت و محرومان و ناتوانان) بستر ساز مشاغل و کارهای درآمد زا نیستند بلکه اقشار دیگری از جامعه وجود دارند که قوام جامعه به آنها بوده ایشان هستند که روح نشاط و زندگی را در جامعه می دمند و دیگر طبقات توسط ایشان به تکاپو و نشاط دست می یابند.

از دید حضرت، در حیات اجتماعی سرنوشت این طبقات به شدت به یکدیگر گره خورده است: «و اعلم أن الرعيه طبقات لا يصلح بعضها الا ببعض و لا غنى ببعضها عن بعض. بدان که ملت طبقاتی هستند که صلاح برخی به برخی دیگر وابسته و بعضی قشرها از بعضی دیگر بی نیاز نمی باشند.»^۱ به همین جهت قوام و ایستایی گروه هایی همچون نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام، کارمندان، وابسته به موجودیت دو طبقه بازرگانان و صاحبان صنعت می باشد. منشأ این وابستگی در عبارت زیر بطور فشرده بیان شده است: «و لا قوام لهم جميعا الا بالتجار وذوى الصناعات فيما يجتمعون من مرافقهم و يقيمونه من أسواقهم و يكفونهم من الترفق بأيديهم ما لا يبلغه رفق غيرهم. و کار این اقشار (سپاهیان، کشاورزان، قضات، عاملان و نویسندگان) استوار نشود جز با بازرگانان و صنعتگران که جمع می شوند و با سودی که بدست می آرند، بازارها را بر پا می دارند، و کار مردم را کفایت می کنند، در آن چه که دیگران مانند آن نتوانند.»^۲

حضرت امیر (ع) در این نامه همچنین به لزوم مدیریت و حمایت دولت از برنامه های غیر دولتی که برخواسته از اراده جامعه است پرداخته و می فرماید: «و لیکن احب الامور اليك اوسطها فى الحق و اعمها فى العدل و اجمعها فى رضا الرعيه، فان سخط العامة يجحف برضا الخاصة و ان سخط الخاصة يغتفر مع رضا العامة و ليس احد من الرعيه اثقل على الوالى موونة فى الرخاء و اقل معونة فى البلاء و اكره للانصاف و اسأل بالالاحاف و اقل شكرا عند الاعطاء و ابطأ عذرا عند المنع و اضعف صبورا عند ملومات الدهر من اهل الخاصة و انما عمود الدين و جماع المسلمين و العدة للاعداء العامة من الامة فليكن صغوك لهم و ميلك معهم. دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه ترین و در عدل فراگیر ترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می برد اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می کند خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر و در خواسته هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش ها کم سپاس تر و به هنگام منع خواسته ها دیر عذر پذیر تر و در برابر مشکلات کم استقامت تر می باشند در صورتی که ستون های استوار دین و اجتماعات

^۱ نهج البلاغه، نامه ۵۳.

^۲ همان.

پر شور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می باشند پس با آن
ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد.»^۲

در این قسمت از نامه، حضرت در خصوص اهتمام ویژه حکومت به موسسات و نهادهای مردمی که افکار عموم جامعه را نمایندگی کند معطوف ساخته و در ادامه فرمان می دهند که فعالیت های دولتی باید بر محوریت خواست و اراده جامعه متمرکز شوند.

جملات فوق که از نامه حضرت نقل شد به خوبی موید اهمیت بخش خصوصی و ضرورت اهتمام دولتمردان و مردم به احیاء و تقویت این بخش در پیشبرد اهداف حیات اجتماعی بشر است. در نتیجه همه بخش ها و تمام افرادی که در این زمینه توانایی دارند و می توانند در فعال سازی و توانمندسازی بخش خصوصی مشارکت نمایند (همچون نخبگان فکری جهت طرح ریزی برنامه ها، افراد برخوردار از ثروت و سرمایه جهت سرمایه گذاری در پروژه ها و نهایتاً نیروهای برخوردار از توانایی کار و فعالیت جهت تامین نیروی کار) می بایست حداکثر توان خود در این زمینه را به کار گرفته و تلاش های جدی ای را صورت دهند.

نتیجه آن که برای فعال سازی و تقویت بخش خصوصی، می بایست آحاد جامعه دست بدست هم نهند و برای رفع گرفتاری ها و مشکلات، در فرایندی همکاری محورانه و بر پایه تعاون سهم گردند و جامعه ای سعادت مند و با نشاط برای شکل دادن به یک زندگی سالم را برسازند.

حقیقت آن است که برای ایجاد زندگی کریمانه و عزتمندانه باید در این راه قدم نهاده و بخش خصوصی را در جامعه و زندگی اجتماعی خود مورد حمایت قرار داد.

با این حال با شعار دادن صرف نمی توان شاهد پویایی بخش خصوصی در جامعه بود. بلکه می بایست با اتخاذ سیاست ها و خط مشی های صحیح به صورت عملی راه را ایجاد بخش خصوصی در جامعه فعال نمود.

در نتیجه در فرایند تحکیم بنیان های بخش خصوصی می بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:

- ۱- می بایست توجه به ایجاد اشتغال و رفع مشکل بیکاری از مهم ترین سیاست ها و خط مشی های یک جامعه باشد.
- ۲- داشتن آمار از افراد واجد شرایط کار و فعالیت سهم بسزایی در طرح ریزی های اقتصادی خواهد داشت.
- ۳- باید دانست که فعال کردن بخش خصوصی سهم بسزایی در پیشرفت جامعه ایجاد دارد و روشن است که فعالیت بخش خصوصی در زمینه اقتصاد و ثروت زایی کمتر از بخش های دولتی نیست.
- ۴- فعال بودن بخش خصوصی، یعنی رفع بسیاری از فساد های مالی و اداری، که معمولاً دولت ها به دلیل وجود تجار و مفسدان اقتصادی

^۲ همان.

و شرکت های پیمانکاری، همیشه از آن رنج می برند. با این حال باید توجه کرد که با فعال کردن بخش خصوصی و توجه به مقوله شایسته سالاری، صرفاً می توان بخشی از مشکلات اقتصادی را - و نه همه آن ها را - حل کرد. به دیگر بیان این اقدام شرط لازم - و نه شرط کافی - برای گذار به یک اقتصاد پویا و باثبات است.

۵- می بایست زمینه های فعال کردن بخش خصوصی را در کشورهای اسلامی ایجاد کرد تا بتوان بوسیله افراد و اتباع داخلی هر کشور، این فرایند را شروع و به فعلیت رساند. چه آن که فعال سازی این بخش - بدون زمینه سازی های لازم و متناسب با وضعیت موجود - می تواند تبعات و پیامدهای منفی برای اقتصادهای بومی به همراه داشته باشد. به عنوان نمونه شرکت های برون مرزی زمینه کار و فعالیت را در این کشورها بدون رقیب دیده و بازار کار را بدست می گیرند و در نتیجه، پیامدهای منفی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی را بدنبال خواهد داشت. در نتیجه باید فرزندان این سرزمین بتوانند خلأهای احتمالی را با فعالیت و تلاش خود پر نموده و آثار منفی و شوم فضای ایجاد شده فعلی در سطح بین المللی - موسوم به دهکده جهانی یا جهانی شدن - را مهار نمایند.

۱- رقابت اقتصادی یک پروسه زمان بر و تدریجی است که به صورت آنی تحقق نمی یابد. باید بدانیم که رقابت ها در این گونه زمینه ها در یک لحظه بوجود نمی آیند و صبر و حوصله می طلبد و همه باید در ایجاد زمینه های لازم دست در دست هم داده تا بتوان زمینه های مطلوب را برای فعال کردن بخش خصوصی ایجاد کرد.

۶- سرمایه های فراوانی در دست بسیاری از مردم قرار دارد که بدون ثمر مانده و در چرخه اقتصادی قرار نگرفته اند. اساساً مردم به خاطر آن که بتوانند سود ببرند حاضر هستند که این اموال را در اختیار شرکت هایی که در زمینه های اقتصادی فعالیت می کنند قرار دهند. با این حال ایشان در بیشتر اوقات در دام شرکت های هرمی، جعلی و بعضاً موهوم می افتند و سرمایه خود را به طور کامل از دست می دهند. در این میان، نهاد های مدنی که در زمینه های اقتصادی فعالیت می کنند باید فرصت هایی را فراهم سازند که مردم جایگزین و بدیلی برای آن شرکت های موهوم یافته تا بتوانند با خاطری آسوده، پول و دارایی های خود را برای فعالیت های اقتصادی بکار بسته و از سود و بهره آن ها استفاده های لازم را ببرند.

۷- اساساً نظام اقتصادی اسلام به دلیل ماهیت خود می تواند بهترین خط مشی ها و سیاست های لازم برای تقویت و تحکیم بخش خصوصی را ارائه دهد. مشکلات مالی و بحران های اقتصادی اخیر در کشورهای برخوردار از نظام سرمایه داری، ایشان را به تکاپو برای فهم چرایی بحران خود و نیز فهم بهترین الگوی اقتصادی - که دستخوش بحران نمی شود - انداخت.

بررسی های فراوان نهایتاً ایشان را به این باور رساند که نظام اقتصادی اسلام برترین الگوی اقتصادی جهان است. به باور ایشان، روش و نحوه اداره اموال و دارایی ها (همانند بانکداری غیرربوی) به عنوان مهم ترین رمز و راز خروج صحیح این نظام اقتصادی از تهدیدات و مشکلات اقتصادی جاری در نظر گرفته شد. چه آن که اساساً بانکداری اسلامی با هدف ممانعت از مواجهه با مشکلات احتمالی، قبل از دریافت سپرده ها زمینه های لازم برای ایجاد کار و فعالیت با سپرده ها را فراهم می نماید. مسال های که به نوبه خود مستلزم تاسیس شرکت های سرمایه گذاری با توانی بالا (قبل از تاسیس بانک) است که بتوانند سپرده ها را به سرمایه ای برای کار تبدیل کرده و وارد فعالیت تولیدی حقیقی نمایند.

۸- ضرورت استقلال اقتصادی و بهره مندی از سطح قابل قبولی از توان مالی از موارد مورد تاکید اسلام و ائمه معصومین (ع) است. حقیقت آن است که اقتصاد در یک جامعه امری حیاتی است که بر دیگر زمینه های زندگی اجتماعی (فرهنگی، سیاسی، امنیتی و...) اثرگذار خواهد بود. لذا در سیره اهل بیت (ع) مشاهده می شود که پیروان خود را به سمت استقلال اقتصادی سوق می دادند تا بتوانند با داشتن سهم بسزایی در امور اقتصادی جامعه، در زمینه های دیگر اثرگذار باشند و بدین وسیله خدماتی را به جامعه اسلامی وارد آورند. جدای از این، روشن است که استقلال اقتصادی، کرامت و آزادی عمل انسان به ارمغان خواهد آورد و از همین رو می تواند مطلوبیت عملی داشته باشد.

فصل چهارم: نهاد های مدنی تاسیس شده توسط مرجعیت در عراق

فرایند همگرایی و تقارب میان فرهنگ ها و تمدن ها که گاه از آن تحت عنوان جهانی شدن یاد می شود، از چند دهه پیش بدین سو آغاز شده و جهان را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک ساخته است.

در این میان، دین مبین اسلام نیز به عنوان مذهبی جهان شمول شناخته می شود که داعیه جهانی دارد. در نتیجه باید تمام پتانسیل و نیروی مسلمانان در راستای گسترش اسلام و آموزه های حیاتبخش آن مورد استخدام قرار گیرد.

در فضای کاربست توان جامعه دینی برای تبلیغ منظومه ارزشی اسلام، نخستین گام همانا تاسیس نهادهای مدنی دینی است تا بتوان از طریق آن ها، تمام خلأهای موجود در جوانب مختلف زندگی اجتماعی را برطرف نموده و حرکت جامعه به سوی پیشرفت و تعالی را با سهولت و سرعت بیشتر و با رعایت موازین کمی و کیفی مطلوب و لازم دنبال کرد. روشن است که این امر باید به صورت سازمان یافته، با هدف اعتلا و قدرت یافتن امت

اسلامی و پیشبرد اهداف عالیہ اسلام و تحت نظر و اشراف مرجعیت و رهبری دینی، صورت گیرد.

ما برای تحقق بخشیدن به اهداف یادشده، ندای «اسلام به تمام پیروان خود نیاز دارد» را سر داده و از تمام افرادی که این دغدغه را دارند دعوت کردیم تا دست در دست هم دهیم و در راستای تحقق اهداف فوق گام برداریم.

در همین راستا، مدت زمان کوتاهی است که فعالیت هایی برای برساختن نهادهای مدنی آغاز شده است که به نوبه خود ثمراتی را در پی داشته است.

با توجه به مشکلات فراوانی که کشور عراق را در خود غرق کرده (همچون سابقه طولانی حکومت های سلطه گر و استعماری، دولت های مستبد و دیکتاتوری و آثار شوم آن ها، حضور نیروهای اشغالگر، صرف بیشتر بودجه کشور در امور نظامی و غافل ماندن و عدم توجه به دیگر امور مهم دینی و مذهبی، فرهنگی، تربیتی، آموزشی، اقتصادی و...) اوضاع اجتماعی در این کشور بسیار آشفته شده است.

با این وجود، افراد دل سوز و خیر خواه برای سروسامان دادن به کشور و رفع مشکلات، بیکار ننشسته و با تمام توان خود را برای بهبود اوضاع و شرایط وقف کرده اند و با تمام وجود به فعالیت می پردازند.

از آن جا که این نوشتار در خصوص نهادهای مدنی گردآوری شده است لذا مهم ترین فعالیت های صورت گرفته از سوی مرجعیت دینی حضرت آیت الله یعقوبی (زیدعزه) در حوزه و فعالیت نهاد های مدنی در کشور عراق مورد اشاره ای گذرا قرار می گیرد.

۷

۱- هیئت مرکزی نهادهای جامعه مدنی (همم)^۴

این سازمان با هدف پوشش همه سازمان و نهادهای مردمی و ایجاد هماهنگی های لازم میان ایشان و زمینه سازی لازم برای وصول جمعی ایشان به اهداف از پیش تعیین شده تاسیس گردیده است. این سازمان که تحت عنوان «هیئت مرکزی نهادهای جامعه مدنی» راه اندازی شده است، همچنین نظارت بر قوای رسمی کشور و دفاع از حقوق ملت و مطالبه آن از مراکز دولتی و نیز سازندگی، رفاه اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خدمت رسانی به جامعه و ملت اسلامی را در دستور کار خود دارد. این مرکز به صورت فعالانه به وظایف خود رسیدگی کرده و از رهنمودهای مرجعیت، در راستای رسیدن به اهداف خود بهره می برد.

^۷ الهيئة المركزية لمنظمات المجتمع المدني (همم)

۲- انجمن و اتحادیه های ویژه بانوان

می توان مدعی آن شد که در تمامی جوامع و از جمله جوامع اسلامی، زنان از آسیب پذیرترین گروه های اجتماعی به شمار می آیند. لذا جای آن دارد که به امور زنان توجه ویژه و شایسته ای صورت گیرد. در همین راستا فعالیت های تشکیلاتی و نهادسازانه زیر در خصوص بانوان صورت گرفته که به آن ها اشاره ای گذرا می شود.

الف: موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا (س)

ب: انجمن بنات المصطفی (ص)

۱-۲- موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا (س)

موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا، مرکزی است که دارای شعب زیادی در استان های عراق می باشد. این موسسه با هدف تحول در نگرش و رفتار، تغییر در سبک زندگی، و پرورش مادرانی فهیم برای تربیت نسلی جدید بر اساس آموزه های دینی، در صدد آموزش قشر عظیمی از زنان واجد شرایط تحصیل می باشد.

این موسسه دوره های آموزشی - حاوی علوم حوزوی با سبکی جدید- را متناسب با اوضاع و شرایط زنان جامعه در حال اجرا دارد. برنامه و نظام آموزشی این موسسه بر اساس نظام آموزشی موسسه علوم دینی صدر تهیه شده است.^۵

این موسسه امید دارد نسلی از این موسسه فارغ التحصیل شوند که در احکام ویژه زنان متخصص و مجتهد باشند. از آنجا که زنان توان بیشتری برای درک امور مربوط دارند، لذا امکان فهم بهتر نصوص دینی و متعاقب آن بیان و تبیین احکام دینی را دارند. این اقدام در راستای تخصصی کردن فقه است که بارها آن را مورد اشاره قرار دادیم و دیگران را به آن دعوت کردیم.

۲-۲- انجمن بنات المصطفی

برای فعالیت زنان در عرصه مسائل اجتماعی، تربیتی، فرهنگی، انجمن بنات المصطفی تاسیس شد. این مرکز دارای شعب متعددی همچون انجمن فدک

^۷ - برای آشنایی با نظام آموزشی موسسه علوم دینی صدر، به کتاب «جامعة الصدر الدینیة: الهوية و الانجازات» که در خصوص بیان و شرح نظام آموزشی این موسسه تالیف شده است، مراجعه شود.

و انجمن امام جواد (ع) در شهرهای گوناگون عراق می باشد. این تشکل، آیین نامه ای در خصوص فعالیت خود تدوین کرده و طبق آیین نامه مدون، برای تحقق چشم انداز خود حرکت می کند.^۶

۳- کانون سادات علوی

در آداب و آموزه های دینی عناصر و شعائر گوناگونی (همچون بارگاه های اولیای دین، مجالس محرم و ...) وجود دارد که مردم را به سوی دین و آموزه های ناب و اصیل اسلامی جذب، و از انحراف و کجروی مصون نگه می دارد.

در این میان از جمله اموری که تأثیر انکارناپذیری بر مومنان دارد سادات علوی هستند که از شجره مبارکه امیر مومنان (ع) و صدیقه طاهره (س) هستند. واقعیت آن است که به گواهی تاریخ این قشر مبارک همواره نقش مثبت و بسزایی در جامعه ایفا نموده اند. خداوند پاداش و اجر رسالت پیامبر اکرم (ص) را نیکی و مودت بر خویشان و ذریه پیامبر (ص) قرار داده است و فرمود: «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی. بگو من بر انجام رسالت، مزدی از شما نمی خواهم مگر دوستی و مودت درباره خویشانم.»^۷

در کتاب های روایی، احادیث متعددی در خصوص ضرورت تکریم و اهتمام به خاندان و ذریه پیامبر خاتم (ص) وارد شده و امامان شیعه (ع) نیز پیروان خود را بر احترام و تکریم این شجره طیبه سفارش کرده و در عین حال خاندان خود را، به تقوا و پایداری بر آموزه های دینی و تعالیم پیامبر اکرم (ص) توصیه و ایشان را از انحراف از راه مستقیمی که پیامبر (ص) برای رشد و تعالی ترسیم نموده است، پرهیز داده است. در روایتی در این خصوص از امام رضا (ع) نقل شده است که حسین ابن خالد می گوید امام رضا (ع) فرمود: «النظر الی ذریتنا عبادة. قلت: النظر الی الائمة منکم او النظر الی ذریة النبی (ص)؟ فقال: بل النظر الی جمیع ذریة النبی ص عبادة ما لم یفارقوا منهاجه و لم یتلوثوا بالمعاصی. فرمود: نگاه کردن به فرزندان ما عبادت است، گفتم: نگاه به آن فرزندان که امامند، یا نگاه به فرزندان پیامبر (ص)؟»

فرمود: بلکه نگاه به همه اولاد پیامبر (ص) عبادت است تا وقتی که از راه و روش آن حضرت جدا نشده و به گناه آلوده نگشته باشند.»

از آنجایی که سادات از جایگاه و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بوده و می توانند به مثابه نیروی موثر در جامعه نقش ایفا نمایند، لذا

^۶ آیین نامه یادشده تحت عنوان «ورقة عمل رابطة بنات المصطفی» در کتابی بنام «دور المرأة فی بناء العراق الجدید» آورده شده است.

^۷ سوره شوری، آیه: ۲۳.

^۸ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، کتاب الحج، ابواب احکام العشرة، باب ۱۶۵، ح ۱.

می بایست از این فرصت بخوبی استفاده شود و در راه اصلاح امور اجتماعی از آن به بهترین نحو بهره برداری کرد. به عنوان نمونه در برخی از مناطق دیده می شود که مشکلات بزرگی اتفاق افتاده است به گونه ای که مراکز رسمی و دولتی از حل و رفع آن ها عاجز می مانند. با این حال، به دلیل وجود جایگاه اجتماعی سادات و با واسطه گری و میانجی گری شخصیتی از سادات علوی، مشکل به سادگی حل می شود.

دشمنان اهمیت و جایگاه خطیر این سلسله شریفه را دریافتند و برای اینکه این منزلت اجتماعی را متزلزل کرده و آن را خنثی سازند از روش های گوناگونی بهره می برند: از رایج ترین روش های دشمنان اسلام در ضربه زدن به این نهاد مقدس می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- حذف فیزیکی

حذف فیزیکی سادات از حیات اجتماعی خود با روش هایی چون قتل، زندان، حصر خانگی و... از جمله رایج ترین روش هاست که با هدف قطع رابطه میان سادات و جامعه و ایجاد حاشیه امن برای استمرار جنایات خود از سوی دشمنان دین دنبال می شود.

۲- شبهه افکنی در جایگاه و منزلت سادات

شبهه افکنی در خصوص جایگاه و منزلت سادات راه حل بعدی دشمنان برای حذف نرم سادات از جامعه و ممانعت از تاثیربخشی ایشان در جامعه است. به عنوان نمونه زیاد بیان می شود که فرزندان فاطمه (س) را نمی توان فرزند پیامبر (ص) خواند چرا که سادات از طریق دختر پیامبر (ص) به او متصل می شوند و لذا نمی توان آن ها را فرزندان رسول خدا (ص) برشمرد. با هدف خنثی سازی همی نتوطئه است که امامان شیعه (ع) با تمام توان برای مقابله با این نقشه شوم دشمنان و شبهه افکنی های آنان مقاومت کردند و استدلال های متفاوت و متنوعی را برای اثبات اتصال سادات علوی به پیامبر (ص) بیان کردند.

درست با هدف مقابله با توطئه های فوق و در راستای احیای هر چه بیشتر و نهادینه کردن جایگاه و منزلت سادات علوی و پررنگ کردن نقش آن در جامعه، تاسیس کانون سادات علوی در دستور کار قرار گرفت تا بتوان در سایه آن اصلاحات اجتماعی لازم را صورت داده و از برکات آن استفاده کرد. بنا بر آمار منتشر شده تعداد سادات در تمام نقاط جهان به بیش از ۳۰ میلیون نفر می رسد پس می توان از این نیروی بزرگ، بهترین استفاده ها را در جهت فعالیت های گوناگون داشته باشیم.

۳- انجمن جامعین (دانشگاهیان)

این انجمن در راستای رونق بخشی به امور دانشگاه ها و دانشجویان و مطالبه حقوق دانشجویی (اعم از امور تحصیلی، علمی و...) تاسیس شد. روشن است که دانشگاه به عنوان مرکز و مکان گردهم آمدن جوانان نخبه، با استعداد، با فکر و اندیشه و نقش آن در تمدن سازی و مقابله با دیگر تمدن های منحط جهان می بایست مورد توجه فراوان قرار گیرد.

این انجمن دانشجویان را به تحصیل، مطالعه و تحقیق تشویق کرده و علاوه بر دانش، اخلاق را از برنامه های مورد تأکید خود قرار داده و همراهی علم و عمل را برای ساختن جامعه لازم می داند. این انجمن در عین حال خواستار دوری دانشگاه از تبدیل به مرکزی برای تشنجات و درگیری های سیاسی و حزبی و سوء استفاده جریان های سیاسی است. همزمان نیز از دانشگاهیان می خواهد که به امور کشور واقف بوده و خود را برای ورود به عرصه سازندگی و کار و تلاش آماده سازند اما از دخالت در امور سیاسی، که توانایی آن ها را به تحلیل می برد و مانع از رسیدگی آن ها به امور تحصیل شود، امتناع ورزند.

۴- اتحادیه مهندسين اسلامي

اقدام به راه اندازی اتحادیه مهندسين از میان مهندسان مومن و متعهد، کاردان و دلسوز از دیگر اقدامات است که با هدف بازگردانی عراق به دوره آبادانی و نشاط (پس از دهه ها ویرانی و جنگ) صورت پذیرفته است. با این اتحادیه می توان سنگ بنای عراق جدید را پی ریزی کرد چرا که جامعه مهندسان، از مهم ترین عوامل سازندگی در یک کشور بوده و دولت می تواند با بهره گیری از ایشان، کشور را اداره کند. زیرا چند وزارتخانه در کابینه دولت باید توسط مهندسان اداره شود.

این نهاد در بغداد و برخی از شهرهای عراق و تحت عنوان «تجمع المهندسين الاسلامي» کار خود را شروع کرده است. حقیقت آن است که جامعه مهندسين با این نهاد رونق دوباره ای گرفته و سازماندهی جدیدی را شاهد بود. این اتحادیه الگوی مناسب ساختاری برای دیگر اصناف در خصوص کیفیت جلب اعتماد جامعه و کیفیت مشارکت در آبادانی کشور است.

۵- کارگاه ارتقاء و پیشرفت اجتماعي

کارگاه ارتقاء و پیشرفت اجتماعي با هدف ارتقاء بخشیدن به فنون و مهارت اجتماعي و سياسي برای جوانان در بغداد تأسیس گردید. شعبه ای از این مرکز با نام «مرکز آمار شهید موید کعبی» نیز راه اندازی

شده است که تا کنون آمار و تحلیل های متعددی را درباره امور مهم در کارنامه خود به ثبت رسانده است. این مرکز همچنین «نهاد ملی سازمان های غیر دولتی عراق (شموع)» - با بیش از هشتاد نهادهای مدنی- را تحت سرپرستی دارد.

این مرکز در اولین فعالیت عمومی خود، که مراقبت از انتخابات کشور بود شرکت کرده و بیش از سه هزار نفر را برای مراقبت از صندوق های رای گیری به تعدادی از استان های عراق فرستاد. این مرکز آمار خوبی را از جهت امنیت و عدم تخلف و تقلب در انتخابات را به ثبت رسانید. با وجود اینکه، از زمان تاسیس این تشکل مردمی، بیش از یک ماه نمی گذشت و در عین حال، امکانات موجود بسیار اندک برآورد می شد، با این حال، همت و اراده عمومی اعضای مرکز نتایج درخشانی از تلاش یک نهاد مدنی برای تحقق مصالح ملت را نشان داد.

در انتخابات یادشده، این سازمان مردم نهاد، سابقه خوبی را در بین دیگر سازمان های دولتی نظارت کننده در انتخابات، برای خود رقم زد و ثابت شد که این گونه نهادها می توانند نقش بسزایی را در پیشرفت و نشاط جامعه ایجاد کنند.

این نهاد با وجود تمام مشکلات و کمبودهایی که با آن روبروست، در عین حال، همت خود را در ارتقاء بخشی به فرهنگ سیاسی کشور، و پشتیبانی از نهادهای مدنی متمرکز کرده و در تمامی استان های کشور مشغول به فعالیت می باشد.

۲- انجمن مرکز الیتیم

این تشکل با همت گروهی از زنان و بانوان مومنه تاسیس گردیده است. این انجمن به مرور زمان توانسته است شعبه های متعددی را، راه اندازی کرده و آثار مثبت فراوانی را از خود نشان داد. «مرکز الیتیم» ده ها نفر از ایتمام و فرزندان بی سرپرست را تحت پوشش خود قرار داده و امور مربوط به آن ها را ساماندهی می کند و کمک های لازم را جهت بهبود حال آنان جمع آوری، و با برنامه هایی ویژه در اختیار آنان می گذارد و از درد و رنج مشکلات و شرایط بوجود آمده برای آنان می کاهد.

از دیگر وظایف این مرکز آن است که زنان بی سرپرست و بیوه را تحت سرپرستی و تکفل قرار داده و امور فرهنگی و آموزشی را برای آمادگی جهت نیل به یک زندگی با کرامت و مرحله ای جدید از زندگی را فراهم می سازد.

منابع

کتاب فارسی و عربی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۵. ابن وهب، احمد ابن ابی یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا.
۶. ابن هشام الحمیری المعافری (۲۱۸)، عبدالملک، سیرة النبویة، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۷. بختیاری، محمد عزیز و فاضل محسنی، نظریه های اجتماعی دین، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول،
۸. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه ها، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
۹. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۱۰. جامعه شناسی سازمان ها، دکتر آرین قلی پور، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: ۱۴۰۹ ه ق.
۱۲. حسینی، سید رضا، سیره اقتصادی امام علی ع، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۲.
۱۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر (لراوندي)، قم: دار الکتاب، چاپ اول، بی تا.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ش.

۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۶. صادقی آهنگر، معصومه و سیده فاطمه محبی، جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان. چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۷. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۱۳ ه ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط، الإسلامیة)، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ه ق.
۱۹. مارتین لیپست، سیمور، دایره المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط، بیروت)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
۲۲. معصومی، مسعود و میراحمدی، منصور: جامعه مدنی در مطبوعات، قم: طاها، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت ع، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

منابع لاتین

۱. John Davenport. An apology for Mohammed and the Koran, Lahore : al-Biruni, 1975.